بسم الله الرّحمن الرّحیم

انجمن علمی فلسفه دین ایران

چکیدهٔ مقالات فارسی

نهمین همایش بین‌المللی فلسفهٔ دین معاصر

«فلسفهٔ دین: آموزش و پژوهش»

۹ تا ۱۲ خرداد ۱۴۰۰

برگزارکننده:

انجمن‌علمی فلسفهٔ دین ایران

با مشارکت

انجمن مدیریت آموزشی ایران

حمایت‌کنندگان:

انجمن کلام اسلامی حوزه | پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

دانشگاه ادیان و مذاهب | دانشگاه الزهرا | دانشگاه امام صادق (ع) | دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) | دانشگاه تهران | دانشگاه خوارزمی | دانشگاه زنجان

دانشگاه شیراز | دانشگاه علامه طباطبائی | دانشگاه فردوسی مشهد| دانشگاه قم

مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران

www.philor.org

philorconf@gmail.com

مسئولان همایش

رئیس همایش: محمد سعیدی‌مهر

دبیر علمی همایش: رضا اکبری

دبیر اجرایی همایش: محمدمهدی فلاح

اعضای شورای علمی

حمیدرضا آیت‌اللهی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران | رحیم آجار، دانشگاه مرمره، ترکیه
حلیل‌الرحمان آجار، دانشگاه آنکارا، ترکیه | گرزد آندریچ، دانشگاه خرونینگن، هلند
مهدی اخوان، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران | کلاوس فون استوش، دانشگاه پادربورن، آلمان
لنارت اشکوف، دانشگاه لوییانا، اسلوونی | محمد اصغری، دانشگاه تبریز، ایران
رضا اکبری، دانشگاه امام صادق (ع) | سید امیر اکرمی، پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات‌فرهنگی
محمدرضا بهرنگی، دانشگاه خوارزمی، ایران | میترا پورسینا، دانشگاه شهید بهشتی، ایران
نعیمه پورمحمدی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران | چارلز تالی‌ور، کالج قدیس اولاف، آمریکا
غلامحسین توکلی، دانشگاه اصفهان، ایران | محسن جاهد، دانشگاه زنجان، ایران
محسن جوادی، دانشگاه قم، ایران | امیرحسین خداپرست، مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران
رسول رسولی‌پور، دانشگاه خوارزمی، ایران | سجاد رضوی، دانشگاه اکزتر، انگلستان
محمد سعیدی‌مهر، دانشگاه تربیت مدرس، ایران | تامس سنیور، دانشگاه آرکانزاس، آمریکا
امیرعباس علی‌زمانی، دانشگاه تهران، ایران | قدرت‌الله قربانی، دانشگاه خوارزمی، ایران
قاسم کاکایی، دانشگاه شیراز، ایران | یاری کاوکوا دانشگاه یوباسکولا، فنلاند
جهانگیر مسعودی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران | مجید ملایوسفی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی
محمدحسین مهدوی‌نژاد، دانشگاه پیام‌نور، ایران | یوجین ناگاساوا، دانشگاه بیرمنگام، انگلستان
نرگس نظرنژاد، دانشگاه الزهراء، ایران | ادوارد ر. ویرنگا، دانشگاه روچستر، آمریکا

فهرست

مقدمهٔ دبیر علمی همایش ۱

نقش و اهمیت دین‌شناسی تاریخی و مقایسه‌ای در مطالعات فلسفهٔ دین

اسداله آژیر ۲

کاربست اصطلاحات فلسفهٔ اسلامی در فهم فلسفهٔ دین؛ بررسی موردپژوهانه هستی و چیستی فلسفهٔ دین

مجید احسن ۳

آموزش مسائل فلسفهٔ دین با الگوگیری آموزش کلام در کتاب *الجام العوام عن علم الکلام* غزالی

مهدی اخوان ٤

معاصرسازی مسائل فلسفهٔ دین در اندیشهٔ شهید مطهری: بررسی موردی برهان هدایت

امید ارجمند ٥

روش آموزش فلسفه در آثار آیت‌الله مطهری و ظرفیت‌های جهانی‌سازی فلسفهٔ دین اسلامی

محمدرضا اردشیر لاریجانی و احمد کریمی ٦

آموزش مبتنی بر حل مسئله (PBL)؛ رویکردی نوین در آموزش فلسفهٔ دین

بهروز اسدی و محمد کرمی ۷

چهار موضوع برای پرکردن خلاء در مطالعات تطبیقی فلسفهٔ دین ایران

محمد اصغری ۸

علت اقبال به فلسفهٔ دین در جامعهٔ علمی ایران

سعید انواری ۹

جای خالی «روش‌شناسی» در تحصیلات تکمیلی فلسفهٔ دین در ایران

مهدی بهنیافر ۱۰

ارزیابی سرفصل های جدید مقطع دکتری فلسفهٔ دین

محمدرضا بیات ۱۱

نگاه به فلسفهٔ دین از حاشیه

نعیمه پورمحمدی ۱۲

ورود مسائل فلسفهٔ دین به مدارس با تأکید بر مسئلهٔ علم و دین

مهسا پوست‌فروش فرد و سعید ناجی..... ۱۳

«برنامهٔ درسی مقطع دکتری فلسفهٔ دین» در بوتهٔ نقد

امیرحسین خداپرست..... ۱٤

تبیین و تحلیل ماتریس SWOT رشتهٔ فلسفهٔ دین در دانشگاه پیام‌نور

غلامحسین خدری..... ۱۵

چشم‌انداز علمی و مسائل الهیاتی: بررسی پروژهٔ فعل الهی رصدخانهٔ واتیکان

جواد درویش آقاجانی ۱٦

گام‌های بایسته درتحول و گسترش آموزش فلسفهٔ دین

سیدمحمدعلی دیباجی ۱۷

برنامهٔ درسی جدید رشتهٔ فلسفهٔ دین در مقطع کارشناسی‌ارشد: نقاط قوت و ضعف

مهدی ذاکری..... ۱۸

تحلیل مفهومی و تولید محتوا در فلسفهٔ دین تحلیلی: مورد یوجین ناگازاوا و لیندا زگزبسکی

زینب سالاری ۱۹

فلسفهٔ دین، ضرورتی برای اسلام‌گرایی

مریم سالم ۲۰

درس‌هایی از ایدهٔ «پایان فلسفهٔ دین» برای آموزش فلسفهٔ دین در ایران (با تأکید بر آرای نیک تراکاکیس)
مالک شجاعی جشوقانی ۲۱

رابطهٔ «علم و دین»، آیا علمی ارجح است؟ (بررسی و نقد جایگاه علوم‌انسانی در برنامهٔ درسی درس «علم و دین» در مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری رشتهٔ فلسفهٔ دین مصوب وزارت علوم)
امیر صادقی ۲۲

تحلیل و بررسی یک مجموعهٔ برخط در حیطهٔ فلسفه/فلسفهٔ دین: Word Philosophy-1000
مسعود صادقی ۲۳

علوم شناختی دین: پاسخ‌های نو به پرسش‌های قدیمی، معرفی اجماعی رویکرد شناختی به مطالعات دین
میثم فصیحی رامندی ۲٤

پادکست و ترویج فلسفهٔ دین: مطالعهٔ موردی پادکست فلسفی لوگوس
حامد قدیری ۲۵

ارتباط تصور، تلقی و انگاره از خدا
احد فرامرز قراملکی..... ۲٦

موانع گسترش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌های ایران
اکبر قربانی..... ۲۷

موانع پیش‌روی فلسفهٔ دین در ایران
قدرت‌الله قربانی..... ۲۸

فلسفهٔ دین و جایگاه تربیت و آموزش در تفکر استاد مطهری
ساره لاریجانی..... ۲۹

غیبت «فلسفهٔ دین» فیلسوفان کلاسیک اسلامی در فلسفهٔ اسلامی معاصر
امیر مازیار ۳۰

پدیدارشناسی «تجربهٔ زیسته»: حلقهٔ مفقوده در مطالعات فلسفهٔ دین ایران
ندا محجل ۳۱

عدم توجه به ابعاد فرهنگی و انضمامی دین در همایش‌های فلسفهٔ دین
اردشیر محمودی و زهرا اخلاقی ۳۲

برنامهٔ پژوهشیِ جامعه‌شناسیِ فلسفیِ دین: به سمت هم‌گرایی فلسفهٔ دین و جامعه‌شناسی دین
سیدمحمود نجاتی‌حسینی ۳۳

مسئلهٔ پایان آموزش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌ها؛ لوفتوس و داوکینز در برابر آپی
هادی وکیلی ۳٤

جایگاه دانشکدهٔ الهیات و نسبت آن با دانشکدهٔ فلسفه از دیدگاه کانت
حسین هوشنگی ۳۵

مقدمهٔ دبیر علمی همایش

بنده و همهٔ دوستان انجمن‌علمی فلسفهٔ دین ایران خداوند را شاکریم که شما عزیزان را مجدداً در همایش بین‌المللی فلسفهٔ دین معاصر، زیارت کردیم. هر چند که اقتضائات بهداشتی، زیارت حضوری شما عزیزان را از ما سلب کرد، اما حضور پررنگ شما عزیزان در اتاق‌های مجازی همایش به‌عنوان شاهدی بر رابطهٔ مستحکم شما با انجمن، قوت قلبی برای همهٔ دوستان شما در انجمن شد.

در این همایش، امکانات ایجاد شده برای برگزاری جلسات به‌صورت مجازی، این اجازه را داد که حضور حداکثری مهمانان خارجی را از کشورهای مختلف همچون ژاپن، آفریقای جنوبی، آلمان، آمریکا، انگلستان شاهد باشیم. اغلب این مهمانان از جایگاه علمی والایی در فضای بین‌المللی برخوردار هستند. اجازه دهید به تئودس متز، رابرت آئودی، چارلز تالیور، دانکن پریچارد، کلاوس فون استوش، و تامس سینور به‌صورت ویژه اشاره کنم.

برگزاری هشت همایش بین‌المللی قبلی، این اجازه را به دوستان شما در انجمن داد که مسئلهٔ اصلی در این همایش را بررسی فضای آموزش و پژوهش در عرصهٔ فلسفهٔ دین قرار دهند. بر این اساس، مدیران گروه‌ها، سردبیران مجلات، دانشنامه‌ها و مراکز فعال در فلسفهٔ دین از ایران و دیگر کشورها دعوت شدند تا تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند. برخی از دوستان که در مقطع دکتری تحصیل می‌کنند یا به تازگی فارغ‌التحصیل شده‌اند دیدگاه خود را در بارهٔ وضعیت آموزش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌های کشور و دیگر کشورها بیان کردند. این الگو، اجازه داد تا به ظرفیت‌های مغفول فلسفهٔ دین در فضای ایران و نیز فضای جهانی تا اندازه‌ای شناخت پیدا کنیم.

این تجربه‌نگاری را به فال نیک می‌گیریم و این امید را داریم که در آینده نیز این تجربه‌نگاری را ادامه دهیم. از سوی دیگر، فضای به وجود آمده در تعاملات بین‌الملل، که در این همایش در سطح بسیار بالایی مشاهده شد، زمینه‌ای مبارک برای استمرار، تعمیق و گسترش آن در رویدادهای علمی دیگر انجمن خواهد بود.

دست همهٔ عزیزانی که ما را در برگزاری مناسب این همایش یاری کردند به گرمی می‌فشاریم و دست یاری را برای فعالیت‌های آینده به سوی همهٔ عزیزان دراز می‌کنیم. امید آن‌که شاهد پربارتر شدن چنین فعالیت‌هایی در سطح کشور باشیم.

در پایان، تشکر ویژه خود را نثار جناب آقای محمدمهدی فلاح می‌کنم که فروتنانه از زحمات این کار برای دست اندرکاران این رویداد علمی، کاستند.

رضا اکبری

دبیر علمی نهمین همایش بین‌المللی

فلسفهٔ دین معاصر

شهریور ۱۴۰۰

نقش و اهمیت دین‌شناسی تاریخی و مقایسه‌ای در مطالعات فلسفهٔ دین

اسداله آژیر[۱]

رشته‌های مختلف دین‌پژوهی در تعامل و نیازمندی متقابل قرار دارند. فلسفهٔ دین نیز، به‌عنوان شاخه‌ای از فلسفه که به بررسی عقلانی و استدلالی دین می‌پردازد، برای ایضاح مفاهیم و تبیین باورهای دینی، به رشته‌های دیگر (یا روش‌های دیگر) دین‌پژوهی نیاز مبرم دارد و در واقع از آنها تغذیه می‌کند. گاهی برخی دین‌پژوهان، روش پدیدارشناسانه در فهم و ایضاح مفاهیم دینی را به‌مثابهٔ بدیل روش تاریخی یا مقایسه‌ای در نظر می‌گیرند و تاریخی‌نگری را در مطالعات دینی معادل الحاد می‌بینند. لیکن روش یا رویکرد پدیدارشناسانه در دین‌پژوهی، نمی‌تواند برای درک کامل مفاهیم و باورهای دینی کافی باشد و همچنین لزومی ندارد که همیشه به‌عنوان جانشین روش تاریخی لحاظ شود. برای درک معنای بسیاری از مفاهیم دینی، نیاز داریم که روند شکل‌گیری و چگونگی تطوّر تاریخی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. برای این کار ناگزیر باید به یافته‌های متخصصان تاریخ ادیان اهمیت داد و نیز خود فیلسوف دین ناچار است در تحلیل مفاهیم و باورها به سیر تاریخی آن‌ها حساس باشد. مفاهیم بنیادینی مثل خود مفهوم «دین»، «خدا»، «وحی»، «نبیّ»، «حیات پس از مرگ» و همانند آن‌ها، بدون لحاظ تطورات تاریخی، به‌درستی درک و فهم نمی‌شوند. آشنایی و کاربست دین‌شناسی مقایسه‌ای (یا روش مقایسه‌ای در دین‌پژوهی) نیز برای فیلسوف دین از اهمیت بالایی برخوردار است و جملهٔ نسبتاً مشهور «هر کس فقط یک دین را بشناسد، هیچ دینی را نمی‌شناسد» گویای آن است. روش مقایسه‌ای (یا تطبیقی) در واقع مکمل روش تاریخی در فهم معنای مفاهیم و باورهای دینی است. مقایسهٔ مفاهیم در ادیان و مذاهب مختلف، زوایای گوناگونی از آن‌ها را آشکار می‌سازد و دین‌پژوه را از داوری‌های تک‌بعدی و جانب‌دارانه تا حدود زیادی باز می‌دارد.

واژگان کلیدی: رشته‌های دین‌پژوهی؛ روش‌های دین‌پژوهی؛ مطالعات مقایسه‌ای ادیان؛ تاریخ ادیان.

۱ - استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی کرمانشاه، asadazhir@razi.ac.ir.

کاربست اصطلاحات فلسفهٔ اسلامی در فهم فلسفهٔ دین؛
بررسی موردپژوهانه هستی و چیستی فلسفهٔ دین

مجید احسن[۱]

پرسش‌گری وجه ممیزهٔ حیات آدمی است. وی با حیرت فلسفی از روشن‌ترین امور، رفع بداهت کرده و یافت خود را در قالب مفاهیم و گزاره‌های معرفتی منعکس نموده و نحله‌های فلسفی مختلفی رقم زده است. رفع بداهت از دین و طرح ده‌ها پرسش سترگ در باب مدعیات دینی که از زاویهٔ نگاه خاصی طرح می‌شوند فلسفه را به ساحت فلسفهٔ دین بر می‌کشد. این نحله در دورهٔ مدرن و با نگرش تحلیلی در باب صدق و کذب مدعیات دینی آغاز شده و در دورهٔ پسامدرن به منظرهای قاره‌ای انجامیده است. آشنایی با این میراث گران‌مایه از طریق ترجمه و سپس بحث و امعان نظر پیرامون دیدگاه‌های دانشوران غربی، عمدهٔ آن‌چیزی است که اکنون به نام «فلسفهٔ دین» در ایران جریان دارد و خود را در قالب تصویب رشتهٔ فلسفهٔ دین و طرح عناوین درسی آن با عنوان «فلسفهٔ دین» و عناوینی چون «کلام جدید»، «مسائل جدید کلامی» و... نشان داده است. گرچه مساعی برای فراتر رفتن از بازگویی صرف آرای غربی در این رابطه نیز قابل ملاحظه است. علی‌رغم این‌همه، هنوز ابهام مفهومی و عدم مرزبندی دقیق فلسفهٔ دین با تعابیری چون «کلام جدید»، «الهیات مدرن»، «مسائل جدید کلامی»، «دین‌پژوهی» و ... باقی است؛ و حتی چرایی جدا دانستن آن از علوم همگن هم‌چون کلام عقلی، کلام قدیم، کلام فلسفی، الهیات کلاسیک، و... مورد سوال بسیاری از متعاطیان است که می‌طلبد مورد واکاوی قرار گیرد. در این راستا، از دیرباز فلاسفهٔ اسلامی با عطف توجه به سه مقولهٔ بنیادین هر علمی یعنی (۱) مبادی، (۲) موضوع و (۳) مسائل، در خصوص مرزبندی علوم راه‌کار روشنی اراده کرده‌اند که می‌تواند در رفع ابهام یادشده در باب فلسفهٔ دین یاری‌گر باشد. فهم دقیق موضوع، مسائل و مبادی (تصوریه و تصدیقیه اعم از اصول متعارفه و اصول‌موضوعه) فلسفهٔ دین به فهم بهتر چرایی نو بودن رویکردها، اهداف و روش‌های فلسفهٔ دین خواهد انجامید. از رهگذر این بررسی که پیشنهاد می‌شود در سرفصل‌های درس فلسفهٔ دین گنجاده شود روشن خواهد شد که انسان چگونه توانسته یا می‌تواند به چنین دانشی دست یابد، بی آنکه ساده‌انگارانه مرز آن با علوم همگن را خلط کند. یافت و کاربست مفاهیم سنت خودی در فهم فلسفهٔ دین به‌عنوان علمی که خاستگاه غیرخودی دارد به بومی‌سازی و استقرار این علم نزد متفکران اسلامی که با مفاهیم علوم سنتی خود، خو کرده‌اند کمک به‌سزائی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، فلسفهٔ اسلامی، کلام و الهیات، تمایز علوم.

---

۱ - عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)، ahsan.majid62@gmail.com.

آموزش مسائل فلسفهٔ دین

با الگوگیری آموزش کلام در کتاب *الجام العوام عن علم الکلام* غزالی

مهدی اخوان[۱]

بخشی از آثار ابوحامد غزالی به علم‌شناسی و آموزش یک علم می‌پردازد. او به عنوان دین‌داری که دغدغهٔ صیانت از حریم شریعت را دارد با فلاسفه و فرقه‌های کلامی غیراشعری جدال می‌کند. او در آخرین نوشتهٔ خود، الجام العوام عن علم الکلام، را بر مبنای پرسشی که ابوالقاسم عبدلله بن احمد بن سیاه از او در باب فهم سلف از احادیث و آیات که ظاهری تشبیهی دارد می‌پرسد، نکات مهمی را از تجربه‌های آموزشی و زیستهٔ خود در مورد آموزش آموزه‌های دینی و کلامی می‌گوید که می‌تواند در روزگار ما در آموزش فلسفهٔ دین و نیز کلام اسلامی راهنما باشد. غزالی کتاب را در سه بخش (باب) تنظیم می‌کند. در بخش نخست دیدگاه سلف را در باب این‌گونه اخبار می‌آورد. غزالی معتقد است عموم متدینان در برابر این احادیث تشبیهی به ترتیب هفت وظیفه دارند: تقدیس و تنزیه پروردگار از جسمانی بودن و لوازم آن، تصدیق و ایمان، اعتراف به فراتر بودن این مطالب از توان فهم، سکوت و عدم خوض، پرهیز از تغییر معنا و ترجمه به زبان دیگر، امتناع و کفّ درون از بحث و تفکر در این احادیث و در نهایت تسلیم و پیروی از اهل معرفت. در باب دوم برهان‌های عقلی و سمعی به سود نظر سلف می‌آورد. بدعت و حدود و ثغور آن از مقولاتی است که در این بخش به تفیل از آن بحث می‌شود. در بخش سوم کتاب هم برخی اشکالات را پاسخ می‌دهد. مثلاً اینکه انگیزهٔ پیامبر (ص) از استفاده از الفاظ تشبهی چه بوده است در عین حال که نیازی به استفاده نبوده است؟ یا اینکه آیا منع عامهٔ دین‌داران از بحث و نظر مانع شناخت دلیل نمی‌شود، دلیلی که ما را به معرفت خدا می‌رساند و به آن توصیه شده‌ایم؟ غزالی در این بخش سخن از مراتب تصدیق و ایمان می‌گوید و مرز تقلید و تحقیق در عقاید و مراتب مخاطبان جدال دینی را مشخص می‌کند. این جستار مرور و بررسی آراء غزالی است در این کتاب.

واژگان کلیدی: احادیث تشبیهی، غزالی، الجام العوام عن علم الکلام، معرفت الاهی، آموزش کلام و فلسفهٔ دین.

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، makhavan77@gmail.com.

معاصرسازی مسائل فلسفهٔ دین در اندیشهٔ شهید مطهری:
بررسی موردی برهان هدایت

امید ارجمند[۱]

مطهری اسلام‌شناسی است که در سلسلهٔ نوصدراییان جای می‌گیرد. توجه به آثار و اندیشه‌های وی نشان از تسلط و اهتمامش به منابع اصیل اسلامی؛ یعنی، فلسفه، عرفان و قرآن و روایت دارد. از طرفی وی در زمانه‌ای قرار گرفته است که فضای علمی به شدت تحت تأثیر فلسفه‌های غرب و علوم جدید است. ایشان با دقتی فلسفی مسائل و معضلات جدید را شناسایی می‌کند و با یك حرکت دیالکتیکی میان منابع اصیل اسلامی و فلسفه‌ها و علوم جدید، سعی در فرآوری و معاصرسازی مباحث دارد. از این رو می‌توان گفت مطهری دارای یك روش ترکیبی و چندضلعی است که علاوه بر فلسفه، عرفان و قرآن، که حکمت متعالیه بر آن تأکید دارد، به فلسفه‌های جدید و علوم جدید نیز توجه دارد. در سنت فلسفی و کلامی رویکرد عمده در استدلال‌ها، رویکرد لمّی و از علت به معلول است، اما مطهری علاوه بر این رویکرد از رویکرد انّی و معلول به علت نیز استفاده کرده است. مباحث و مسائل مختلفی را می‌توان یافت که استاد با این روش مورد تتبع قرار داده و به معاصرسازی آن‌ها پرداخته است. در اینجا به‌صورت موردی برهان هدایت در اثبات وجود خداوند که از نوآوری‌های مطهری است را مورد توجه قرار می دهیم. وی براهین اثبات وجود خدا را به فطری، شبه‌فلسفی و فلسفی تقسیم می‌کند و سه برهان نظم، خلق و هدایت را شبه‌فلسفی می‌داند. از نظر او برهان هدایت منشأ قرآنی دارد و اولین بار توسط فخر رازی در التفسیر الکبیر مطرح شده است. البته مایه‌های اصلی این برهان در نهج البلاغه و روایت مشهور به توحید مفضل و برخی روایات دیگر قابل پیگیری است. مطهری با ارائهٔ مثال‌های متعدد و اشاره به اصولی چون انطباق با محیط و ترمیم ساختار، معتقد است که علاوه بر نظم موجود در ساختار موجودات، هدایت‌های مرموز و عمل‌کردهای مبتکرانه در موجودات زنده وجود دارد که می‌تواند یك هدایت‌گر ماورائی را اثبات کند. به‌صورت کلی استاد مطهری در طرح برهان هدایت از منابع اصیل اسلامی و مباحث جدید در فلسفهٔ غرب و علوم جدید استفاده کرده است. در روش نیز برخلاف براهین فلسفی، از روش انّی استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: برهان هدایت، برهان نظم، روش‌شناسی، مطهری.

۱ - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز، omidearjomand@gmail.com.

روش آموزش فلسفه در آثار آیت‌الله مطهری و ظرفیت‌های جهانی‌سازی فلسفهٔ دین اسلامی

محمدرضا اردشیر لاریجانی[۱] و احمد کریمی[۲]

آموزش در دنیای امروز به امری تخصصی تبدیل شده و کیفیت نظام آموزشی، از مهم‌ترین عناصر توسعه و پیشرفت کشورها به شمار می‌رود. در حالی که فلسفهٔ دین مسیحی موفق گردیده تا از طریق عواملی هم‌چون بازشناسی و بازتعریف پرسش‌های انسان معاصر و نوسازی شیوه‌های آموزش، راه گفتمانی و تأثیرگذار خود را بر زیست انسانی در جوامع گوناگون بیابد، فلسفهٔ دین اسلامی کم‌تر این امکان را یافته که با وجود پشتوانه‌های پر ارج خویش، در عرصهٔ گفتمان جهانی، همسان رقیب خویش حضوری مؤثر بیابد. با عطف نظر به نفوذ اندیشهٔ فلسفی فیلسوف بزرگ معاصر شهید استاد مطهری در عرصهٔ گفتمانی نیم‌قرن گذشته بوم‌زیست ایران، که از اقبال عمومی وسیعی نسبت به سایر متفکران و فیلسوفان اسلامی معاصر برخوردار گردید و به پارادایم گفتمانی حکومت دینی مبدل شد این پرسش مطرح می‌گردد که مختصات روش‌شناختی آموزش فلسفه در آثار آیت‌الله مطهری چه بوده و امکان جهانی‌سازی فلسفهٔ دین اسلامی متخذ از متدولوژی او چگونه ارزیابی می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش کرده تا با روشی توصیفی‌تحلیلی به بازیابی روش آموزش این فیلسوف معاصر بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان داد متدولوژی آموزشی وی در حوزهٔ فلسفهٔ دین دارای عناصر بنیادینی هم‌چون توجه به زبان عرفی و همه‌فهم‌بودن، همه‌جانبه‌بودن، عقلانیت و منطق استدلال، مخاطب‌شناسی مناسب، روزآمدی و توجه به دغدغه‌ها و مسئله‌های نوپدید نظام جهانی مانند مسئلهٔ حقوق زنان، صلح، معنای زندگی، دغدغه‌های وجودی انسان و نیاز انسان به دین، و تلفیق آن‌ها در برنامهٔ آموزشی برخوردار بوده که مؤلفه‌های مهمی در جهانی‌سازی آموزش به شمار می‌روند و می‌توان بر اساس این الگو، نظام آموزش فلسفهٔ دین اسلامی را در فرآیندی جهانی سهیم نمود.

واژگان کلیدی: آموزش فلسفهٔ دین، استاد مطهری، جهانی‌سازی فلسفهٔ دین اسلامی، روش‌شناسی آموزش فلسفه.

---

۱ - طلبهٔ سطح عالی حوزهٔ علمیه، mohammadreza.amoli@gmail.com.

۲ - استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، ahmad.karimi@gmail.com.

آموزش مبتنی بر حل مسئله (PBL)؛ رویکردی نوین در آموزش فلسفهٔ دین

بهروز اسدی[۱] و محمد کرمی[۲]

یکی از اهداف تأسیس دوره‌های آموزش عالی، تخصص‌محوری و عمق‌بخشی به مباحث پژوهشی در حوزه‌های مختلف دانش است. شیوهٔ آموزش در دانشگاه‌های ایران، خاصه در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری متناسب با این هدف نیست. شیوهٔ آموزش مبتنی بر حل مسئله (PBL) شیوه‌ای دوسویه و تعاملی، میان استاد و دانشجو است و نقش مدرس در اجرای آن هدایت‌گرانه و نظارتی خواهد بود. با توجه به مشارکت دانشجو در یافتِ خلاقانهٔ پاسخ، این روش به تفلسف و ماندگاری اطلاعات در ذهن دانشجو کمک نموده و انگیزش او را برای مشارکت در فعالیت‌های کلاسی بیشتر می‌نماید. براساس نظرات برخی اندیشمندان مبنی بر اینکه «صحبت کردن موجب تغییر در تفکر می‌شود»، می‌توان رویکرد دیالکتیک سقراطی را یکی از مصادیق عملی آموزش مبتنی بر حل مسئله (PBL) در حوزهٔ فلسفه دانست. با توجه به پژوهش‌محوری در این شیوهٔ آموزش، از اقتضائات و پیش‌نیازهای اجرای آن می‌توان به قرار دادن دروس «فلسفه‌های مضاف» و «روش تحقیق مقدماتی و پیشرفته» در کروکولیوم دورهٔ کارشناسی جهت آشنایی دانشجویان با شیوه‌های تحقیق، آشنایی با دایره‌المعارف‌های فلسفی آنلاین و نمایه‌های بین‌المللی مقالات و ...، پذیرش تعداد محدودِ دانشجویان به نسبت اساتید، انجام مصاحبه‌های علمی پیش از ورود دانشجویان به دوره‌های تحصیلات تکمیلی، الزام دانشجویان به برگزاری ژورنال کلاب در یک موضوع مهم در هر عنوانِ درسی، الهام‌گیری از شیوه‌های گزارش‌دهی و سخنرانی (TED)، تغییر رویکرد کمّی به کیفی در ارزیابی فعالیت‌های کلاسی از طریق اختصاص بخش عمده‌ای از نمره به فعالیت‌های کلاسی، بیان موضوعاتی بدیع متناسب با زیست‌بوم دینی و معرفی آخرین نظریات در پاسخ به چالش‌های سنتی فلسفه است. از دیگر مزایای این روش آموزشی، توسعهٔ فعّال چارچوب‌های ذهنی و مفهومی از طریق خودراهبری، افزایش مهارتِ تفکر انتقادی، توسعهٔ مهارت‌های ارتباطی و همکاری بین‌فردی، افزایش اعتماد به نفس در مباحثه، یادگیری روش تحقیق وکسب اطلاعات از متون مختلف است. به نظر می‌رسد اجرای این شیوهٔ آموزش می‌تواند در تدقیق و تعمیق مباحث فلسفی در ذهن فراگیران و به‌کارگیری آن‌ها در حل بسیاری از مشکلات روز جامعه بسیار مفید باشد.

واژگان کلیدی: دیالکتیک سقراطی، خودراهبری آموزشی، یافتِ خلاقانهٔ پاسخ، آموزش مبتنی بر حل مسئله.

---

۱ - استادیار دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، b_asadi@kums.ac.ir.

۲ - استادیار دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه)، mohammad.karami@kums.ac.ir.

چهار موضوع برای پرکردن خلاء در مطالعات تطبیقی فلسفهٔ دین ایران

محمد اصغری[۱]

در این مقاله سعی داریم نشان دهیم که در مراکز دانشگاهی ایران پژوهش در حیطهٔ فلسفهٔ دین بر اساس مطالعات و منابع فیلسوفان و متفکران مغرب زمین استوار است، هر چند این امری فی‌نفسه بسیار ارزشمند است، لیکن کامل نیست و لذا می‌خواهیم نشان دهیم که خلاء آموزش و پژوهش تطبیقی در حیطهٔ فلسفهٔ دین شرقی و ایرانی–اسلامی می‌تواند مکمل این پژوهش‌ها در کشور ما باشد. این نوشته قصد دارد نشان دهد که در چهار موضوع این مکملیت تحقق‌پذیر است: (۱) اندیشهٔ مبتنی بر مفهوم «شهود دینی» در تفکر فلسفی و دینی فلسفه‌های شرقی مخصوصاً فلسفهٔ دین مکتب کیوتوی ژاپن و تطبیق آن با شهود عرفانی و دینی ما، که نمود عینی آن در اشعار عرفانی ایرانی به چشم می‌خورد، می‌تواند نقطهٔ شروعی برای مطالعات تطبیقی در این زمینه باشد. (۲) مسئلهٔ «نیستی» در مکتب کیوتو و تحلیل دینی از آن در اندیشه‌های فیلسوفان این مکتب از جمله نیشیدا کیتارو، بدیلی بسیار مناسب برای پژوهش درباب ماهیت خدا در دین و عرفان و به‌طور حکمت اسلامی است، چرا که تأکید هر دو مکتب بر اینکه ذات الهی رها از هر نوع صورتی و تعینی است، بستری مناسب برای پژوهش تطبیقی و در نتیجه بستری برای غنای فکری فلسفهٔ دین ما خواهد بود. (۳) «پیوند دین و فلسفه» در تفکر شرقی، مخصوصاً مکتب کیوتو، و مشابه این وضعیت در سنت فکری ما ایرانی‌ها گامی بنیادی در امکان دیالوگ در آموزش و پژوهش فلسفی دین ما را فراهم می‌سازد. برای مثال در این زمینهٔ صدرا با نیشیدا و مولوی با نیشیتانی همدلی دارند. (۴) در چهارمین محور نشان داده‌ایم که معنای «تجلی خدا در جهان» و تفکر مبتنی بر حلول الهی در جهان در تفکر فیلسوفان مشرق زمین مثل نیشیدا کیتارو و مشابه این وضعیت در تفکر عرفای بزرگی در عالم اسلام مثل ابن‌عربی، آن‌چنان به هم نزدیك است که هر پژوهش‌گری را به سمت مطالعات تطبیقی در حیطهٔ مذکور سوق خواهد داد. در پایان به این نتیجهٔ کلی دست یافته‌ایم پژوهشگر فلسفهٔ دین در ایران می‌تواند با تمرکز بر موضوعات چهارگانهٔ یاد شده در این مقاله، به سمت مطالعات تطبیقی و آموزشی در فلسفهٔ دین ایران در جهت غنای آن گام بردارد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، مکتب کیوتو، حکمت اسلامی–ایرانی.

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز، asghari2007@gmail.com.

علت اقبال به فلسفهٔ دین در جامعهٔ علمی ایران

سعید انواری[۱]

فلسفهٔ دین از ابتدای ورود به ایران مورد اقبال جامعهٔ علمی کشور قرار گرفت. این رشته گرچه در دههٔ هشتاد به‌طور رسمی در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های ایران تأسیس گردید، اما مباحث آن پیش از آن نیز در میان دانشگاهیان و حوزویان مطرح بوده است. در این مقاله علت این امر مورد بررسی قرار گرفته است و نشان داده شده است که موارد زیر در توجه و علاقهٔ ما به این رشته مؤثر بوده است: (۱) مشابهت برخی از مباحث الهیات بالمعنی الاخص و فلسفهٔ دین؛ مباحثی مانند براهین اثبات خداوند و بحث صفات الهی و نبوت در الهیات بالمعنی الاخص نیز مطرح شده‌اند و از این جهت زمینهٔ تاریخی این مباحث در کشور ما وجود داشته است.(۲) شباهت مباحث و سرفصل‌های کلام جدید و فلسفهٔ دین؛ تقریبا عناوین بسیاری از مباحث فلسفهٔ دین با کلام جدید مشابهت دارند. گرچه ماهیت فلسفی بودن فلسفهٔ دین و کلامی بودن کلام جدید باعث می‌شود تا این مباحث از دو منظر مختلف و با دو هدف و شیوهٔ متفاوت مورد بررسی قرارگیرند، اما این مطلب در اقبال جامعهٔ حوزوی ایران به مباحث فلسفهٔ دین مؤثر بوده است. (۳) دینی بودن جامعهٔ ایران و اهمیت دین در نظر ایشان؛ دینی بودن جامعهٔ ایران باعث شده است تا سوالات فلسفی در مورد مباحث دینی در جوامع علمی کشور مورد اقبال و دغدغهٔ اندیشمندان کشور قرار گیرد. (۴) طرح نظریات کمونیست‌ها و ملحدان و روشنفکران دینی در برهه‌هایی در ایران و تلاش جامعهٔ مذهبی در پاسخ‌گویی به آنها نیز باعث شده است تا این مباحث در سطح عموم جامعه مطرح شود و مورد اقبال قرارگیرند.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، اقبال، آموزش، ایران.

---

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی، saeed.anvari@atu.ac.ir.

جای خالی «روش‌شناسی» در تحصیلات تکمیلی فلسفهٔ دین در ایران

مهدی بهنیافر[۱]

برنامهٔ درسی کنونی ارشد و دکتری فلسفهٔ دین در ایران فاقد مباحث مستقل «روش‌شناسی» فلسفی و نیازمند آن است. این مقاله به‌نحو توأمان ناظر است به «دلایل» این نیاز و «عوارض» این فقدان. توضیح می‌دهم که افزودن آموزش‌های روش‌شناختی به برنامهٔ درسی این رشته در ایران به‌نحو مؤثری به دانشجویان کمک می‌کند در درجهٔ نخست، به‌ویژه هنگام نگارش پایان‌نامه و رسالهٔ تحصیلی، با شناخت ابعاد روشی هر یک از مکاتب فلسفی مختلف، رویکردهای پژوهشی برآمده از این مکاتب فلسفی را در توسعهٔ دانش این حوزه به‌کار بندند و الزامات روشی نگریستن از دریچهٔ دید فیلسوفان تاریخی و معاصر به مسائل فلسفه دین را بهتر بشناسند. همچنین آن‌ها با توسعهٔ آموزش‌های روش‌شناسانه خواهند توانست نقش و توان هر یک از انواع کلاسیک استدلال منطقی (قیاسی، استقرائی، تمثیلی) را در دعاوی ادیان و زایش مدّعیات هر یک از عرصه‌های پژوهشی فلسفهٔ دین بسنجند؛ شیوه‌های غیرکلاسیک استنتاجی همچون استدلال‌های فرضیه‌ای-قیاسی، سمانتیکی و استنتاج بهترین تبیین را در مطالعات فلسفی دین توسعه دهند و بسامد این شیوه‌های استدلالی را در دعاوی ادیان بسنجند. این بحث همچنین با دامن‌زدن به اهمیت مباحثی همچون «تعریف» در کنار «استدلال» و در هنگام تأسیس مدعیات فلسفی به دانشجویان این رشته کمک می‌کند تا ضمن شناخت استراتژی‌های مختلف «تعریف مفهومی»، «نظریه‌های تعریف» متناسب با مفاهیم دینی را بشناسند و به‌کاربندند. مطالعات روش‌شناسانه از جهت سنجش‌گرانه هم به دانشجویان کمک می‌کند که ضمن شناخت عمیق، همه‌جانبه و تقلیل‌نیافتهٔ مفهوم «نقد»، رویکردهای نقدی برآمده از مکاتب فلسفی مختلف را در نقد مدعیات و مکاتب مختلف فلسفه دین به‌کار بندند؛ با تجهیز به ابزارهای فلسفی و منطقیِ ارزیابی انتقادی مدعیات، تفکر انتقادی را در قلمرو فلسفه دین نهادینه کنند؛ ضمن مطالعهٔ مستقل مفاهیم قطبیده (دوگان‌های) فلسفی و معرفت‌شناختی، این مفاهیم را در پژوهش‌های فلسفه دین به‌کار بندند و از خلط‌های مقولاتی به‌عنوان یکی از آسیب‌های رایج در مطالعات این حوزه پیشگیری کنند. به‌لحاظ مرزهای دانش هم توسعهٔ مطالعات روشی در قلمرو فلسفهٔ دین به دانشجویان این حوزه کمک می‌کند که افزون بر تمایزهای موضوعی و تاریخی، به‌نحو روش‌شناختی هم بتوانند میان فلسفهٔ دین با عرصه‌های مجاوری همچون دین‌شناسی مرز بگذارند و الزاماتِ روش‌شناختی حاکم بر هم‌افزایی فلسفه دین را با قلمروهای مجاوری همچون جامعه‌شناسی دین، قلمروهای جدیدتری همچون علوم شناختی و قلمروهای اجتماعی‌تری همچون فمینیسم بهتر درک کنند و از وقوع برخی ناسازگاری‌های روشی در این حوزه پیش‌گیری کنند. اهمیت این موضوع به‌ویژه از آن روست که آموزش پایهٔ فلسفه در دورهٔ کارشناسی هیچ تمرکزی بر «روش‌شناسی» به‌معنای دقیق کلمه ندارد. مقاطع مختلف تحصیلی هم، به‌ناچار، روش پژوهش را به روش‌های صوری مقاله‌نویسی و پایان‌نامه نویسی تقلیل داده‌اند؛ ضمن این‌که تعداد قابل توجهی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی فلسفه دین در ایران با مدرک کارشناسی غیرمرتبط با فلسفه وارد این رشته می‌شوند و این موضوع ناتوانی‌های برخی از آنها را در این حوزه مضاعف می‌سازد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، فلسفهٔ دین، برنامهٔ درسی، استدلال، نقد فلسفی.

---

۱ - استادیار گروه فلسفهٔ دانشگاه علامه طباطبائی، mahdibehnia@gmail.com.

ارزیابی سرفصل های جدید مقطع دکتری فلسفهٔ دین

محمدرضا بیات[۱]

بازنگری سرفصل‌های دروس دانشگاه به بالندگی و رشد انگیزه اساتید و دانشجویان کمک می‌کند. اما باید تلاش کرد تا سرفصل‌ها (۱) روشن و گویا، (۲) مرتبط با موضوع رشته، (۳) ناهم‌پوشان با یکدیگر، (۴) دارای اولویت بوده و از (۵) منابع دست‌اول باشند تا بتواند اهداف بازنگری را تأمین کنند. لذا با سپاس از همکاران بازنگری، دربارهٔ سرفصل‌های جدید مقطع دکتری فلسفهٔ دین که به تصویب رسیده است ولی هنوز اجرا نشده است، نکاتی به‌نظر می‌رسد که امید است به ارتقاء آن کمک کند. اولاً برخی عناوین مانند «علم دینی» روشن و گویا نیستند، زیرا ذکر این عنوان توأم با عناوینی مانند دین، معرفت، معرفت دینی از یک سو و منابعی که در ذیل این عنوان معرفی شده است، از سوی دیگر، معنای روشنی نمی‌رساند. ثانیاً عناوینی مانند «علم دینی» و «مبانی کلامی‌فلسفی علوم انسانی اسلامی» به‌رغم اهمیتی که دارند، ارتباط مستقیمی با فلسفهٔ دین ندارند و باید در رشتهٔ «فلسفهٔ علم» بیایند؛ زیرا سرفصل‌های فلسفهٔ دین ناظر به موضوعات و مسائل مشترک دربارهٔ «دین» است و عناوین فوق ناظر به «دین» نیستند بلکه ناظر علوم دینی یا مبانی کلامی فلسفی آن‌ها است. ثالثاً فارغ از اشکال فوق، عناوین «علم دینی» و «مبانی کلامی‌فلسفی علوم انسانی اسلامی» نوعی هم‌پوشانی با یکدیگر دارند زیرا در مبانی کلامی‌فلسفی علوم انسانی اسلامی تلاش شده است تا از علم دینی دفاع شود. رابعاً عنوان «علم و دین» در ذیل دروس جبرانی آمده است، ولی با توجه به اهمیت این عنوان در موضوعات فلسفهٔ دین، باید در دروس اختصاصی کنجانده شود و سزاوار است با عناوینی که یا مانند عنوان «مبانی کلامی‌فلسفی علوم انسانی اسلامی» ارتباط مستقیمی با فلسفهٔ دین ندارد یا مانند عنوان «کارکردهای دین» در سرفصل‌های دورهٔ کارشناسی‌ارشد فلسفهٔ دین آمده است، جای‌گزین شود. خامساً با توجه به اینکه عمدهٔ موضوعات فلسفهٔ دین از منابع انگلیسی است، باید به منابع انگلیسی بروز و معتبر توجه بیشتری شود و کمتر به منابع فارسی که ترجمه یا به گونه‌ای برگرفته از آن‌ها است، ارجاع شود و تنها منابع فارسی بیان شود که می‌توان آن‌ها را به‌مثابهٔ منبع دست‌اول شمرد.

واژگان کلیدی: بازنگری، سرفصل‌های دکتری، فلسفهٔ دین.

---

۱ - استادیار فلسفه دین دانشگاه تهران، mz.bayat@ut.ac.ir.

نگاه به فلسفهٔ دین از حاشیه

نعیمه پورمحمدی[۱]

فلسفهٔ دین در مباحثات جاری، شاخه‌های متنوعی پیدا کرده است و به «فلسفهٔ دین از دیدِ گروه‌های در حاشیه»[۲] نام‌گذاری شده است. در این مطالعات، همهٔ گروه‌هایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند و زیر ستم و تبعیض به‌سر می‌برند، سزاوار آنند که باورهای دینی را ارزیابی کنند و احیاناً کانون‌هایی از تبعیضی را که بر آن‌ها رفته است، بیابند و پیشنهاداتی برای اصلاح آنها داشته باشند یا از اساس فهم تازه‌ای از باورهای دینی عرضه کنند؛ فهمی که از چشم‌انداز خاص خود آنها به موضوعات و مسائل دینی بپردازد. زنان، بیماران، سالخوردگان، معلولان، سیاهان، طبقات پایین اقتصادی، مدافعان حیوانات و محیط‌زیست نمونه‌های روشنی از گروه‌های در حاشیه‌اند. متناظر با این گروه‌های در حاشیه، شاهد شکل‌گیری فلسفهٔ دین‌های حاشیه‌ای هستیم؛ همچون «فلسفهٔ دینِ فمینیستی»[۳]، «فلسفهٔ دینِ بیماری‌نگر»[۴]، «فلسفهٔ دینِ معلولیت‌نگر»[۵]، «فلسفهٔ دینِ سیاهان»[۶]، «فلسفهٔ دین مارکسیستی»[۷]، «فلسفهٔ دین با چشم‌انداز مسائل حیوانات»[۸] و «فلسفهٔ دین با چشم‌انداز مسائل محیط زیست»[۹]. می‌بینیم که مسائل ملموس و عملی زندگی ما همچون مسائل مربوط به جنسیت، سلامتی، توانایی، نژاد، طبقه، حیوانات و محیط‌زیست جای خود را به خوبی در میان پرونده‌های نظری و انتزاعی فلسفهٔ دین باز کرده و شور و حرارتی به آن بخشیده است. با اینکه این شاخه‌های نوپدید چندین دهه است که در فلسفهٔ دینِ غربی فعالیت آموزشی و پژوهشی خود را با جدیت آغاز کرده و تأثیرات عملی خود را برجا گذاشته است، فلسفهٔ دین در ایران، در بهترین حالت، با بی‌خبری یا بی‌اعتنایی به این فضاها به حیاتِ کلاسیک خود ادامه می‌دهد.

واژگان کلیدی: گروه‌های در حاشیه، فلسفهٔ دین فمینیسم. معلولیت، سیاهان، مارکسیسم، حقوق حیوانات، مسائل محیط‌زیست.

---

۱ - استادیار گروه فلسفهٔ دین، دانشگاه ادیان و مذاهب ، naemepoormohammadi@yahoo.com.

2 – Philosophy of Religion from the Margins

3 – Feminist Philosophy of Religion

4 – Sickness Philosophy of Religion

5 – Disability Philosophy of Religion

6 – Black Philosophy of Religion

7 – Marxist Philosophy of Religion

8 – Animals Philosophy of Religion

9 – Echo Philosophy of Religion

ورود مسائل فلسفهٔ دین به مدارس با تأکید بر مسئلهٔ علم و دین

مهسا پوست‌فروش فرد[۱] و سعید ناجی[۲]

یکی از ظرفیت‌های فلسفهٔ دین که امروزه در برخی از کشورهای جهان هم مورد توجه قرار گرفته، ورود مسائل این رشته، به‌خصوص مسئلهٔ «علم و دین»، به مدارس است. معمولاً با افزایش سطح سواد علمی و دینیِ دانش آموزان در مدارس، دغدغه‌هایی از جنس مسائل فلسفهٔ دین، به خصوص مسئلهٔ «علم و دین»، برای آنان پررنگ‌تر می‌شود که متأسفانه محلی را برای طرح آن نمی یابند؛ چرا که هیچ فرصتی برای پرداختن به این موضوعات در آموزش‌های رسمی و غیررسمی در نظر گرفته نشده است و معلمان نیز توانایی و فرصت پیشبرد چنین بحث‌هایی را ندارند. بنابراین به خاطر آموزش‌های اکثراً علمی و کمبود نگاه عقلانی به دین، دانش‌آموزان معمولاً به تدریج به این نتیجه می‌رسند که علم و دین با یکدیگر در تعارض هستند. اما چه بسا اگر این موضوعات در همان دوران مدرسه بررسی شوند، «علم» و «دین» جایگاه و شأن اصلی خود را یافته و دانش‌آموزان به قضاوت نادرست دربارهٔ این دو دچار نمی‌شوند. برای میسر شدن این امر، ابتدا باید توجه داشت از آن‌جا که پرسش از چگونگی رابطهٔ علم و دین و موضوعات مطرح در فلسفهٔ دین، از جنس سوالات فلسفی هستند، به بحث گذاردن آن‌ها در کلاس، دانش، روش و محتوای مناسبی را می‌طلبد. در این راه می‌توان از برنامهٔ «فلسفه برای کودکان (فَبَک)» کمک گرفت که امروزه ابداعاتش نیز بر هیچ کس پوشیده نیست. این برنامه تعریف جدید و متفاوتی را از «کودک»، «فلسفه» و «معلم» مطرح نموده و روشی نو برای پیشبرد کلاس، یعنی حلقهٔ کندوکاو را ارائه می‌دهد. از آن‌جایی که اساتید و دانشجویان فلسفهٔ دینی که به ورود موضوعات فلسفهٔ دین به مدارس علاقمند هستند، خود دانش لازم در این حوزه را دارند؛ می‌توانند با کمک معیارهایی که برنامهٔ فبک در اختیار ایشان قرار می‌دهد، دست به تألیف راهنماها و محتواهای مناسب داستانی، تصویری و غیره زده و با یادگیری روش تسهیل‌گری حلقه‌های کندوکاو فبک، راهی را برای ورود فلسفهٔ دین به کلاس درس و بررسی موضوعات آن، به خصوص مسائل مطرح در «علم و دین»، بگشایند؛ مسائلی چون رابطهٔ دین با نظریه‌های علمی مطرح شده در کتب درسی که از جملهٔ آن می‌توان به نظریهٔ خلقت، نظریهٔ تکامل و غیره اشاره نمود. از این روی کودکان و نوجوانانی که دغدغهٔ بررسی این مسائل را دارند، توانایی و فرصت فلسفه‌ورزی حولِ چنین مباحثی را با همراهی یک تسهیلگر توانا می‌یابند. این نوشتار بر آن است که با کمک برنامهٔ فبک، تمهیدات و مقدمات لازم را برای تسهیل‌گری حلقه کندوکاو «علم و دین» مطرح کرده و راهی را برای استفاده از ظرفیت‌های انسانی در حوزهٔ فلسفهٔ دین با تربیت تسهیل‌گرانی در این حوزه بگشاید که به تبع آن و با تربیت این تسهیلگران، مسائل فلسفهٔ دین، به خصوص مسئلهٔ علم و دین، فرصتی را برای ورود به مدارس می‌یابند.

واژگان کلیدی: فلسفه برای کودکان، حلقهٔ کندوکاو «علم و دین»، تسهیل‌گر حلقهٔ «علم و دین».

---

۱ - کارشناسی ارشد فلسفهٔ دین، دانشگاه تهران، mahsa_pf73@yahoo.com.

۲ - استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، p4cii@yahoo.com.

«برنامهٔ درسی مقطع دکتری فلسفهٔ دین» در بوتهٔ نقد

امیرحسین خداپرست[۱]

آموزش فلسفهٔ دین در دورهٔ دکتری در ایران بر مبنای سندی است که عنوانش «برنامهٔ درسی مقطع دکتری فلسفهٔ دین» است و کارگروه تخصصی فلسفهٔ دین و کلام جدید در شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی، وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذرماه ۱۳۹۷ آن را تصویب کرده است. این سند از همان تاریخ تصویب برای گروه‌های آموزشی که این دوره را عرضه می‌کنند لازم‌الاجرا بوده است. از آنجا که چنین سندی راهنمای اصلی آموزش فلسفهٔ دین در ایران در بالاترین سطح است، انتظار آن است که با صرف وقت و دقتی خاص تدوین شده باشد. با این حال، نگاهی گذرا به آنچه منتشر شده نشان می‌دهد که این متن فاقد حداقلِ معیارهای لازم برای تدوین سند آموزشیِ راهبردی است. ما در این مقاله می‌کوشیم با نشان دادن کاستی‌ها و اشکال‌های عمدهٔ متن، نشانه‌هایی برای بازنگری و تغییر اساسی در آن به دست دهیم. محورهای اصلیِ این نقد را می‌توان ناظر به بخش تعریف و هدف، پیامدها، دروس و سرفصل ها دانست. مشابه‌سازی فلسفهٔ دین با مدافعه‌نویسی دینی، کم‌توجهی به تحلیل عقلانی به‌عنوان روش مقبول در فلسفهٔ دین، بی‌توجهی به تجربه‌های دانشگاهی در تنظیم دروس که منجر به خارج ماندن دروس مهمی همچون تجربهٔ دینی از برنامهٔ تدوینی شده است، و وجود سرفصل‌هایی که ارتباط چندانی با فلسفهٔ دین ندارند- سرفصل‌هایی همچون مدیریت علمی و فقهی، اصول نظام حقوقی و فقهی- از اهم مشکلات موجود در این برنامه است.

واژگان کلیدی: برنامهٔ فلسفهٔ دین، شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی، آموزش فلسفهٔ دین، سرفصل‌های فلسفهٔ دین.

۱ - استادیار مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران، khodaparast.amir@gmail.com

تبیین و تحلیل ماتریس SWOT رشتهٔ فلسفهٔ دین در دانشگاه پیام‌نور

غلامحسین خدری[۱]

رشتهٔ فلسفهٔ دین در زمرهٔ فلسفه‌های مضافی است که با رویکرد بینارشته‌ای فلسفه به عنوان مادر همهٔ علوم از یک سوی و دین به عنوان مقدس‌ترین ودیعهٔ الهی برای بشر، از سوی دیگر با هدف مشخص بررسی صرفاً فلسفی مفاهیم، مباحث، مدعیات، استدلالات و شواهد ارائه‌شده از سوی دین‌های محقق (و نه منزل و لزوماً وحیانی) مدت زمانی است که در نظام آموزشی کشور با هدف ارتقاء و صیانت دین از یک‌طرف و رشد، بالندگی و ارتقای خردگرایی در جامعه از طرف دیگر، جایگاه ویژه‌ای در منظومهٔ تحصیلات تکمیلی به‌طور خاص و مقاطع کارشناسی به‌طور عام در مراکز آموزش عالی کشور را به خود اختصاص داده است. وجههٔ برون‌دینی و آزاداندیشی این دانش بشری در کنار واکاوی، تحلیل و ناخن زدن به مبانی و بنیادهای اساسی دین علی‌الاطلاق، موجب گشته است تا سالیانی چند مصادر مجوزهای راه‌اندازی و تأسیس این رشته (شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای گسترش آموزش عالی کشور) در مقاطع مختلف تحصیلات آموزش‌عالی با نگاه‌های انقباضی و قطره‌چکانی، تمشیت امور سامان‌بخشی مراکز آموزش عالی را در مواجهه با تقاضاهای رو به گسترش این رشته از سوی این مؤسسات در کشور، به عنوان سیاستی بهینه و محتاط‌وار در پیش گیرند. ظاهراً این سیاست کلان در حیطهٔ آموزش عالی کشور مقرون و مزین به نقشهٔ راهی مدون و جامع بر اساس مقتضیات زمان و نیازهای جامعه نبوده و اصولاً هم بر پایه‌های تصمیمات شخصی و سلیقه‌ای استوار می‌باشد. فقدان مصدری مشخص وفق قوانین بالادستی برای پاسخگویی نسبت به وضعیت موجود ، اکنون احدی از علل نابه‌سامانی در مورد فراز و فرود این رشته خاص در سطوح عالی مدیریت آموزش عالی کشور گشته است. آسیب‌شناسی وضعیت موجود این رشته در مراکز آموزش عالی که مفتخر به تأسیس و راه‌اندازی این رشته در مقاطع تحصیلات تکمیلی گشته‌اند، ضرورتی است که این خامه به دنبال تبیین، تحلیل آن در احدی از آن مراکز و مؤسسات (دانشگاه پیام‌نور) است. بازخوانی و تحلیل از طریق ترسیم ماتریس SWOT یعنی بیان نقاط قوت و ضعف (به‌عنوان عوامل درونی) در کنار برجستگی‌های ناظر به فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه و بالفعل (به‌عنوان عوامل بیرونی) این رشته در دانشگاه پیام نور که از سال ۱۳۹۵در مقطع ارشد در دو واحد تهران جنوب و یزد و در سال .. در مقطع دکتری مجوز راه‌اندازی و گرفتن دانشجویان متقاضی را وجههٔ اهتمام خود قرار داده است، مقصود و غایت قصوائی است که در قالب پرسشنامه و تحقیق میدانی از اساتید خبره تهیه گشته است.

واژگان کلیدی: دانشگاه پیام نور، رشتهٔ فلسفهٔ دین، ماتریس SWOT، آموزش عالی، تحصیلات تکمیلی.

---

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه پیام نور، g.khadri@gmail.com.

چشم‌انداز علمی و مسائل الهیاتی: بررسی پروژهٔ فعل الهی رصدخانهٔ واتیکان

جواد درویش آقاجانی[۱]

تأثیر یافته‌های علمی در الهیات و فلسفهٔ دین معاصر لااقل از دو جنبه قابل بررسی است. اول، تعارض برخی نظریات علمی با متون مقدس که موضوع مباحث علم و دین است. این نوع تعارض برای مثال در روایت تکاملی از آفرینش انسان و روایت متون مقدس مثل قرآن، به چشم می‌خورد. تأثیر دوم، در بررسی‌های تطبیقی بین دلالت‌های فلسفی نظریات علمی با دیدگاه‌های الهیاتی است. مثال آن، نفی غایت در زیست‌شناسی تکاملی یا تفسیرهای غیرموجبیت‌گرایانه در مکانیک کوانتم و تأثیر آنها بر دیدگاه‌های سنتی الهیاتی است. این جنبهٔ دوم از جهاتی مهم‌تر به‌نظر می‌رسد. در اینجا ما با یک مسئله کاملاً فلسفی مواجه هستیم، به این معنا که بین دو دیدگاه فلسفی، که یک سوی آن متافیزیک علم و سوی دیگر آن یک نظریهٔ الهیاتی است، باید بررسی و مقایسه کرد. لذا مسائل این سنخ، برخلاف سنخ اول، قابل تقلیل به اختلاف در تفاسیر متن مقدس، و قابل انکار به‌عنوان برداشت تحت‌اللفظی از یک نظریهٔ تجربی نیست. در مقالهٔ حاضر درصدد تبیین این چارچوب مفهومی و اهمیت آن در مباحث فلسفهٔ دین، به ویژه علم و الهیات، با عطف نظر به پروژهٔ فعل الهی هستیم. پروژهٔ فعل الهی از سال ۱۹۸۷ با دعوت پاپ ژان پل دوم و با محوریت رصدخانهٔ واتیکان کلید خورد و منجر به برگزاری پنج همایش تا سال ۲۰۰۲ شد. ویژگی برجستهٔ این پروژه، بین‌رشته‌ای بودن آن بود که هم در موضوع همایش، هم در سخنرانان و هم در خروجی‌های آن وجود داشت. در یک نگاه کلان، موضوع و افراد این همایش‌ها، شامل سه دستهٔ دانشمندان، فیلسوفان و الهی‌دانان بودند که از رشته‌ها و گرایش‌های مختلف دور هم جمع شده بودند. این تنوع و تعامل هدفمند و مستمر آن‌ها، اجازهٔ تقلیل موضوع همایش را به یک مسئلهٔ صرفاً فلسفی یا صرفاً دینی و الهیاتی نمی‌داد. همچنین چشم‌انداز علمی در آن بیشتر به معنای اتکا به دلالت‌های متافیزیکی علوم جدید در نظریاتی چون علیت، ماهیت جهان، سرشت انسان و مفهوم خدا بود. در این مقاله ضمن تبیین چارچوب مفهومی فوق‌الذکر، این پروژه، دستاوردهای آن و برخی چالش‌ها و نقدهای مترتب بر آن را بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: علم و الهیات، پروژه فعل الهی، غیرموجبیت‌گرایی کوانتمی.

---

۱ - دکتری فلسفهٔ علم دانشگاه صنعتی شریف، javad.darvish@gmail.com.

گام‌های بایسته درتحول و گسترش آموزش فلسفهٔ دین

سیدمحمدعلی دیباجی[۱]

سرفصل‌های جدید رشتهٔ فلسفهٔ دین (مقطع دکتری) که درپایان سال ۱۳۹۷ نهایی شده، مدتی است که در محافل علمی و گروه‌های مرتبط، مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است. به نظر نگارنده -که خود در جلسات بازنگری شرکت داشته- در تدوین این سرفصل‌ها بایسته‌هایی مورد نظر بوده است که اهم آن‌ها عبارتند از: لزوم گسترش مسائل و روش‌های موجود در فلسفهٔ دین از طریق توجه به فلسفه‌های غیرتحلیلی؛ توجه به جنبهٔ پرسش‌گری فلسفه‌های تحلیلی در موضوعات فلسفهٔ دین؛ عنایت به پیشینهٔ قوتمند فلسفی در اسلام و ایران؛ نظریهٔ مطالعات جدید در ایران معاصر در معرفی و بررسی دروس و مباحثی همچون «علم دینی»، «مبانی فلسفی علوم انسانی اسلامی» و «فلسفهٔ معرفت دینی»؛ توجه هم‌زمان به میراث و منابع داخلی برای خلاقیت و تولید ادبیات جدید و نظر به منابع خارجی برای ایجاد نگرش نقادانه؛ و سرانجام پرهیز از نگاه ترجمه‌ایی و تقلیدی در آموزش و پژوهش این رشته. و اما از نظر استانداردسازی آموزشی، توجه توأمان به سرفصل‌های کارشناسی ارشد و دکتری، برای جلوگیری از تکرار نیز ضروری است (برای نمونه دروس تجربهٔ دینی و جاودانگی نباید در هر دو مقطع باشند).

واژگان کلیدی: برنامهٔ درسی فلسفهٔ دین، تفکر اسلامی، فلسفهٔ دین تحلیلی، فلسفهٔ دین قاره‌ای، فلسفهٔ اسلامی.

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، dibaji@ut.ac.ir.

برنامهٔ درسی جدید رشتهٔ فلسفهٔ دین در مقطع کارشناسی‌ارشد: نقاط قوت و ضعف

مهدی ذاکری[۱]

موضوع این مقاله برنامهٔ درسی بازنگری‌شده رشتهٔ فلسفهٔ دین در سال ۱۳۹۵ است که از این پس با عنوان برنامهٔ درسی به آن اشاره می‌شود. از مهم‌ترین نقاط قوت این برنامهٔ درسی می‌توان به توجه به مباحث جدید و بومی مسلمانان در فلسفهٔ دین اشاره کرد. همان‌طور که در مقدمهٔ این سرفصل اشاره شده است، یکی از چهار محور این بازنگری، بومی‌سازی فلسفهٔ دین است که می‌توان اجمالاً تحقق آن را در پرداختن به موضوعاتی مانند علم دینی، خاتمیت و فطرت مشاهده کرد. نقاط ضعف: یکم. در مقدمه این برنامه ادعا شده است که این بازنگری قرار است ارائه‌کنندهٔ برنامهٔ درسی فلسفهٔ دین اسلامی باشد. اما به هیچ وجه مفهوم فلسفهٔ دین اسلامی تعریف نشده است، در عوض، تعریف متعارف فلسفهٔ دین تکرار شده است و اهدافی برای این برنامهٔ ذکر شده است که با فلسفهٔ دین سازگاری ندارد و آن را به علم کلام نزدیک می‌کند. در کل، مبنایی روشن برای تفکیک میان فلسفهٔ دین و کلام اسلامی در کل برنامهٔ درسی مشاهده نمی‌شود. دوم. ضعف در جامعیت و مانعیت برنامهٔ درسی؛ مثلاً عمدهٔ سرفصل‌ها و منابع درس «دین و فرهنگ» مربوط به جامعه‌شناسی دین است و ذیل فلسفهٔ دین نمی‌گنجد. علاوه بر این، به هیچ وجه روشن نیست درس «دین و سبک زندگی» چگونه در رشتهٔ فلسفهٔ دین می‌گنجد. سوم. محتوای سرفصل‌های ارائه‌شده برخی از درس‌ها با عنوان یا اهداف آن درس متناسب نیست. مثلاً در درس منطق فهم دین، از یک سو، هیچ سخنی از هرمنوتیک دینی نیست، در عوض، آشنایی با «ادبیات عرب» در سرفصل مشاهده می‌شود. در درس «دین و اخلاق»، نقش دین در بسط اخلاق مورد توجه قرار نگرفته است. چهارم. فهرست منابع دروس دچار مشکلات بسیاری است. در موارد متعدد، منابع قوی و دست‌اول معرفی نشده و در عوض، منابع ضعیف و دست‌چندم مطرح شده است. معرفی نشدن منابع جدید و اکتفا به منابع دهه‌های گذشته در همهٔ درس‌ها مشاهده می‌شود. ذکر برخی از منابع نامربوط و نایکنواختی در ذکر مشخصات کتاب‌شناختی منابع از دیگر مشکلات این برنامهٔ درسی است.

واژگان کلیدی: برنامهٔ درسی رشتهٔ فلسفهٔ دین، ضعف محتوای دروس؛ ضعف منابع.

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، zaker@ut.ac.ir.

تحلیل مفهومی و تولید محتوا در فلسفهٔ دین تحلیلی: مورد یوجین ناگازاوا و لیندا زگزبسکی

زینب سالاری[۱]

طی سال‌های اخیر فلسفهٔ دین تحلیلی دستاوردهای در خور توجهی داشته است و شاهد این مدعا، ادبیات شایان ذکری است که پیرامون این حوزه شکل گرفته است. شاید در این خصوص حتی بتوان ادعا کرد که در قیاس با حوزه‌های مطرح فلسفی دیگر نظیر فلسفهٔ قاره‌ای، از بالندگی و تنوع افزون‌تری برخوردار بوده است و با سرعت و شتاب بیشتری روزآمد می‌شود. با این حال این رویکرد بعضاً در معرض نقد و هجمه‌هایی است که آن را بیش از حد انتزاعی و نظری و به دور از زیست انضمامی فردی و جمعی مؤمنان، مناسک و نهادهای دینی قلمداد می‌کنند. برخی دیگر نیز با نگاهی کمتر خصمانه و نقادانه، این گرایش از فلسفه و فلسفهٔ دین برآمده از آن را صرفاً در سطح روش‌شناختی قابل اتکا و ارجاع می‌دانند و در خصوص تولید محتوای ژرف فلسفی در این حوزه با دیدهٔ تردید می‌نگرند. در مقالهٔ پیش‌رو پس از ارائهٔ شرح مختصری از این واکنش‌ها و موضع‌گیری‌ها در ارتباط با فلسفهٔ دین تحلیلی و تلاش برای تدقیق برخی نکات در این بحث، در راستای پاسخ به این انتقادات بر نمونه‌ای از تلاش‌های صورت گرفته در خصوص تحلیل مفاهیم و تولید محتوا در این حوزه تمرکز خواهم کرد. برای پیگیری این هدف به‌طور خاص و به اختصار، تحلیل مفهومی یوجین ناگازاوا از برهان وجودی و همچنین محتوا و مضامین فلسفی برآمده از آرای لیندا زگزبسکی در حوزهٔ معرفت‌شناسی فضیلت را مد نظر قرار خواهم داد. در پایان نیز به این مسئله خواهم پرداخت که رویکردها و رهیافت‌هایی از این دست به چه کیفیتی می‌توانند در ارتقای کیفی اهداف آموزشی و پژوهشی در فلسفهٔ دین مفید فایده واقع شوند.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین تحلیلی، برهان وجودی، یوجین ناگازاوا، معرفت‌شناسی فضیلت، لیندا زگزبسکی.

۱ - دکتری فلسفهٔ دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، salarizeinab@yahoo.com.

فلسفهٔ دین، ضرورتی برای اسلام‌گرایی

مریم سالم[۱]

یکی از چالش‌های مهم مطرح در عصر حاضر که ذهن متفکران را به خود مشغول نموده، نیاز انسان به معنویت و دین است؛ نیازی که از لوازم زیست در جوامع سرمایه‌داری‌ای است که نتوانست انسان را به ماشینی مبدل سازد تا همهٔ نیازهای عاطفی و روحی خود را با کار و کسب درآمد برآورده سازد. نیاز شدید و گستردهٔ مردم در جوامع مدرن به معنویت حاکی از آن است که برخی نیازهای انسان هرگز از طریق فعالیت‌های مادی و زیست ماده‌گرایانه ممکن نیست. رشد بی‌رویهٔ انواع معنویت‌های بی‌پایه که دست‌پروردهٔ دنیای مادی است و چیزی جز خلأ و پوچی عاید تفکرات انسانی نمی‌نماید، گواهی است بر این مدعا. در حال حاضر که ماهیت پوچ بسیاری از این ادیان و عرفان‌های مادی‌گرا روشن شده است، عقل پویای جستجوگر انسان مدرن در پی آن نوع معنویتی است که بتواند آرامش از دست رفته را به او بازگرداند و به روح بی‌قرار وی قرار دهد؛ این معنویت جز در ادیان الهی که زندگی انسان را فقط محدود به دنیای زودگذر مادی نمی‌کنند دیده می‌شود. اما این عقلِ تعالی یافتهٔ انسان مدرن که برای هر اعتقادی دلیلی محکم و استدلالی قوی می‌طلبد، نمی‌تواند با کتب مقدسی آرام گیرد که مملو از اسطوره‌ها بوده، باب عقل را بسته و تنها به فیض الهی که بدون دلیل به انسان‌هایی خاص تعلق می‌گیرد، تکیه دارند. لذا نه تنخ یهودیان و نه عهد جدید مسیحیان گم‌شدهٔ انسان عصر مدرن نیست. آن چیزی که می‌تواند روح سرگشتهٔ انسان عصر مدرن را آرام نماید کتابی است سرتاسر عقلانی که نه تنها گفته‌هایش در تعارض با عقل نیست بلکه در مقام تحدی با مخاطبان خود، آن‌ها را دعوت به تعقّل، تفکر و تفقّه می‌نماید و شرط دین‌داری را ایمان از روی تعقل و فکر می‌داند، نه ایمانی مبتنی بر فیض؛ زیرا فیض الهی را نوری می‌داند تأییده شده بر همهٔ انسان‌ها که تنها برخی انسان‌ها به مدد عقل خود از آن بهره می‌گیرند. حال این دین کاملاً عقل‌پسند که از اصول تا فروعش عقل انسان‌ها را درگیر خود می‌نماید و می‌تواند نیاز انسان عصر مدرن را برطرف سازد هم در جوامع غیر اسلامی، به دلیل ناسازگاری آن با سبک زندگی مادی و هم در جوامع اسلامی، به دلیل جهالت ناشی از تعصبات کورکورانه، غریب مانده است. در جوامع اسلامی تعصبات جاهلی، راه هرگونه تعقل را میٔبندد و متدینان، بی‌توجه به متن صریح قرآن، عقل را مانع دین‌داری و رواج دهندهٔ ارتداد و بی‌دینی می‌دانند؛ غافل از اینکه این تعصبات ریشهٔ اسلام را خشک کرده آن را تبدیل به آب راکدی می‌نماید که محکوم به نیستن است. مخالفت بسیاری از مراکز علمی اسلامی با رشتهٔ فلسفهٔ دین از همین نگرش جاهلانه نشأت می‌گیرد. تا زمانی که این تفکرات متعصبانه که با متن قرآن در تعارض است، از بین نرود و رشتهٔ فلسفهٔ دین به رشته‌ای ضروری در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مبدل نشود، و به تبع آن دین اسلام به عنوان عقلانی‌ترین دین به دنیا معرفی نشود، هرگز نمی‌توانیم شاهد رشد فکر و توسعهٔ دین‌داری در کشور بود و هر روز با آماج بلند بالای شبهات و عدم مجهز بودن دین‌داران به ابزار عقل، شاهد افزایش دین‌گریزی و تبعات ناشی از آن خواهیم بود. رشتهٔ فلسفهٔ دین نه تنها تعارضی با اصل دین اسلام در جامعهٔ دین‌دار ما ندارد، بلکه میٔتواند ابزاری باشد در جهت گسترش و تعمیق دین‌داری.

واژگان کلیدی: رشتهٔ فلسفهٔ دین، جامعهٔ دین‌دار، تعصبات جاهلی.

---

۱ - استادیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، m_salem@sbu.ac.ir.

درس‌هایی از ایدهٔ «پایان فلسفهٔ دین» برای آموزش فلسفهٔ دین در ایران (با تأکید بر آرای نیک تراکاکیس)

مالک شجاعی جشوقانی[۱]

نیک تراکاکیس[۲] استاد فلسفه دانشگاه کاتولیکی استرالیا در کتاب پایان فلسفهٔ دین[۳] به بحث در باب متا-فلسفهٔ دین با تأکید بر تمایز فلسفهٔ تحلیلی و قاره‌ای دین پرداخته است. غلبهٔ الگوی عقلانیتِ علمی بر ذهن و زبان و مدل فلسفه‌ورزی فلاسفهٔ تحلیلی و برجسته شدن نوعی تلقی گزاره‌ای-معرفت‌شناسانه از امر دینی از مختصات فلسفهٔ تحلیلی دین است. در سوی دیگر طیف، فلاسفهٔ قاره‌ای دین متأثر از امکانات علوم انسانی و هنر می‌کوشند تا جنبه‌های فرهنگی، تجربی (تجربهٔ زیسته)، وجودی (اگزیستانسیال) و حتی تاریخیِ امر دینی را موضوع فلسفه‌ورزی خود قرار دهند. پایان فلسفهٔ دین در آرای کسانی چون تراکاکیس، پایانِ همهٔ اصناف فلسفه‌ورزی در باب دین نیست و بیشتر تأکید بر محدودیت‌های موضوعی، روشی و مفهومی پارادایم غالب در فلسفهٔ دین، یعنی فلسفهٔ تحلیلی دین است. عمدهٔ تفلسف فیلسوفان در رشتهٔ دانشگاهی فلسفهٔ دین، معطوف به تجربهٔ مسیحیت بوده و تجربهٔ ادیان دیگر (اسلام، یهودیت و حتی ادیان شرقی) در آموزش و پژوهش رسمی فلسفهٔ دین آکادمیک، حضور کمرنگی دارد. فلسفهٔ دین آکادمیک در کشور ما سابقهٔ چندانی ندارد و بررسی برنامه‌های درسی و منابع سرفصل‌های کارشناسی ارشد و دکتری این رشته و تجارب دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، قم و مجلات و پایان‌نامه‌های منتشره در این زمینه نشانگر آن است که جریان غالب بر آموزش و پژوهش فلسفهٔ دین در ایران با آنچه تراکاکیس از پارادایم غالب در فلسفهٔ دین آکادمیک روایت کرده چندان واگرایی جدی ندارد. این مقاله ضمن بررسی تفصیلی مبانی و لوازم ایدهٔ پایان فلسفهٔ دین ترکاکیس، به دلالت‌های آن برای نقد وضع موجود و ارتقای آموزش و پژوهش فلسفهٔ دین در ایران معاصر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، متا-فلسفه، پایان فلسفهٔ دین، نیک تراکاکیس، آموزش و پژوهش دانشگاهی، ایران معاصر.

---

۱ - استادیار فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، malekmind@yahoo.com.

2 - Nick Trakakis

3 - *The end of philosophy of religion*

رابطهٔ «علم و دین»، آیا علمی ارجح است؟
(بررسی و نقد جایگاه علوم‌انسانی در برنامهٔ درسی درس «علم و دین» در مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری رشتهٔ فلسفهٔ دین مصوب وزارت علوم)

امیر صادقی[۱]

سرفصل دروس «علم و دین» در مقطع دکتری و «عقل، علم و دین» در مقطع کارشناسی‌ارشد که مصوب وزارت علوم هستند و برای دانشگاه‌های کشور لازم‌الإجرا، به وضوح نشان می‌دهد که شاید به علت گفتمان غالب پوزیتیوستی در ابتدای شکل‌گیری رشتهٔ دانشگاهی فلسفهٔ دین به‌صورت پیش‌فرض وقتی سخن از رابطهٔ علم و دین به میان می‌آید، علم به علوم تجربی تقلیل داده می‌شود و سایر ساحات دانش بشری که دین می‌تواند و ناگزیر است با همهٔ آنها در تعامل باشد، مغفول باقی مانده است. در این نوشتار ضمن آسیب‌شناسی نگاه تک‌بعدی به علم در زمان حاضر با در نظر گرفتن ارتباط روزافزون دین با سایر علوم جاری در زندگی بشر و با نگاهی به آراء کانت، دیلتای، ویندلباند، ریکرت و با تأکید بر آراء وبر کوشش خواهد شد تا ضمن مشخص کردن وسعت گسترده‌تر دانش بشری نسبت به حیطهٔ خاص علوم تجربی، نشان داده شود طرح درس «علم و دین» تا چه حد نیازمند ورود علوم‌انسانی و تحلیل رابطهٔ این علوم با دین، به‌خصوص در برههٔ کنونی است. برای تحقیق در موضوع فوق نخست اهمیت واکاوی رابطهٔ دین با علوم انسانی در دنیای جدید تبیین خواهد شد، سپس با تعمیم سپهر دانش بشر به مجموعه‌ای از علوم تجربی و انسانی، نشان داده خواهد شد با توجه به نیازهای امروز جامعه برای تدوین طرح درس مناسب ذیل عنوان «علم و دین» بر خلاف دیدگاه رایج متأثر از پوزیتیویسم، لازم است نحوهٔ تعامل دین با کل مجموعه دانش بشری در یک پیکرهٔ واحد بازاندیشی شود تا به درک بهتری از این ارتباط دست پیدا کنیم. در تحقیق حاضر پس از ارائهٔ مقدمه‌ای برای ورود به بحث، در چهار بخش موضوع پژوهش را پی خواهیم گرفت؛ نخست به بررسی طبقه‌بندی علوم پرداخته خواهد شد و این پرسش را پی خواهیم گرفت که در عنوان «علم و دین» کدام علم را در نظر داریم. در بخش دوم تفاوت‌های علوم مرتبط با طبیعت و علوم مرتبط با فرهنگ را بررسی خواهیم کرد. در بخش سوم توضیحی کوتاه در مورد تفکیک احکام تجربی و احکام اخلاقی خواهیم داد. در نهایت و در بخش چهارم لزوم بررسی دین با علم به معنای کلی آن (دانش) را تبیین کرده و در نتیجه‌گیری بحث جایگاه این بخش مغفول مانده در برنامه درسی فلسفه دین دانشگاه‌های ایران را از نگاه نگارنده روشن خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: علم و دین، پوزیتیوسیم، تاریخ‌مندی، فرهنگ، دانش، علوم تجربی، علوم انسانی، کانت، وبر.

---

۱ - استادیار، فلسفهٔ دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، amir.sadeqi@gmail.com.

تحلیل و بررسی یک مجموعهٔ برخط در حیطهٔ فلسفه/فلسفهٔ دین:

Word Philosophy-1000

مسعود صادقی[۱]

کلمهٔ فلسفه ۱۰۰۰ (Word Philosophy1000) یک مجموعهٔ برخط دارای دسترسی آزاد در حیطهٔ فلسفه است که در کنار مباحثی چون فلسفهٔ اخلاق، معرفت‌شناسی یا نظریهٔ معرفت، متافیزیک، فلسفهٔ جنسیت و جنسیت، با جدیت به مباحث فلسفهٔ دین نیز می‌پردازد و کار خود را از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز نموده است. اگرچه مقالات و مداخل موجود در این مجموعه برخط بیشتر مقدماتی هستند تا استدلالی، اما با دقت و سخت‌گیری تحریریه و داوران، مقالات آن از کیفیتی بالا و قابل‌قبول برخوردار هستند. نرخ پذیرش مقالات ارسالی به این مجموعه که به روش داوری همتا[۲] بررسی می‌شود تنها ۱۰ درصد است و بیشتر آنها توسط استادان برجستهٔ فلسفه یا دانشجویان نخبهٔ تحصیلات تکمیلی که سابقهٔ قابل‌توجهی در تدریس فلسفه دارند به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند. علاوه بر چند هزار مشترک ایمیلی این مجموعه، تا کنون بیش از یک میلیون و ششصد هزار بازدید از مداخل آن انجام پذیرفته است. از نوآوری‌های این مجموعه، نگارش هر مدخل در حداکثر و حداقل هزار کلمه است. این قالب تازه و متفاوت اگر چه محدودیت‌های خاص خود را در پی دارد اما فرصتی است تا نویسندگان به شکلی موجز و کوتاه و به‌دور از پرنویسی‌های رایج، اصل مدعا و استدلال را تبیین کنند و خوانندگان نیز با صرف وقتی اندک با لبّ سخن آشنا شوند. این نشریهٔ برخط، ترویج فلسفه در میان دانشجویان و عموم را هدف خود معرفی کرده تا جایی که انجمن فلسفهٔ آمریکا مجموعهٔ هزار کلمه فلسفه را تحقق شعار «فلسفه برای همه» توصیف کرده است. از نخستین مقالات اندرو چامپن[۳]، مؤسس و از جمله نویسندگان این مجموعه، مقاله‌ای در زمینهٔ فلسفه دین و با عنوان «برهان هستی‌شناختی به سود وجود خدا» است. تا زمان نگارش این مقاله، بالغ بر ۲۵ مدخل مرتبط با مباحث فلسفهٔ دین در این مجموعه، منتشر شده است. از جمله می توان به این مداخل اشاره کرد: اختفای الهی، امکان و وجوب، اصل دلیل کافی، اعتقاد آفرینی معجزات، مسئله شر، نیچه و مرگ خدا و بهترین جهان ممکن.

واژگان کلیدی: ۱۰۰۰-کلمه فلسفه، مجموعهٔ برخط، فلسفهٔ دین.

---

۱ - استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم‌پزشکی کرمانشاه، masoud.sadeghi@kums.ac.ir.

2 - peer-reviewed

3 - Andrew Chapman

علوم شناختی دین: پاسخ‌های نو به پرسش‌های قدیمی، معرفی اجماعی رویکرد شناختی به مطالعات دین

میثم فصیحی رامندی[۱]

علوم شناختی دین یک رویکرد نسبتاً جدید در مطالعهٔ باورها، احساسات و هیجانات دینی است. در این رویکرد آنچه بررسی می‌شود نه محتوای باور دینی که منشأ پیدایش باور و روش آن، نه روش عقلانی/فلسفی که روش تجربی/علمی است. به این معنا که با استفاده از داده‌های تجربی فرآیند شکل‌گیری باور را بررسی می کند. جریان غالب در آن بر این باور است که باور دینی به شکل طبیعی و بدون نیاز به آموزش در انسان شکل می‌گیرد. البته علوم شناختی دین تنها به منشأ پیدایش باور دینی نمی‌پردازد بلکه تثبیت، تحول و انتقال باورهای دینی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. در این مقاله در راستای سرفصل‌های همایش به بررسی و تحلیل یا نقد این رویکرد علمی نمی‌پردازم، بلکه به دنبال معرفی این رویکرد، اهداف آن و ضرورت پرداختن به آن هستم. افراد شاخص، مراکز مهم و فعال در این حوزه، موضوعات مورد مطالعه، روش و نسبت آن با فلسفهٔ دین از موضوعاتی است که بدان اشاره خواهم کرد. در پایان به ضرورت گسترش و توسعهٔ علوم شناختی دین در ایران خواهم پرداخت. جاستین برت، پاسکال بویر، تامس لاوسون و رابرت مک‌کوالی جزو اولین کسانی هستند که هر کدام از نگاه تخصصی خود علوم شناختی دین را نه به‌عنوان یک موضوع بلکه به‌عنوان یک رویکرد مستقل به جامعهٔ علمی معرفی کردند. امروز در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا این رشته به‌عنوان علاقهٔ شخصی اساتید و دانشجویان دنبال می‌شود، اما در برخی از مراکز علمی به‌طور تخصصی‌تر بدان می‌پردازند و حتی مراکزی خاص مطالعهٔ این رشته اختصاص داده‌اند که از آن جمله می‌توان به دانشگاه آرهوس در دانمارک اشاره کرد که واحد تحقیقاتی دین، شناخت و فرهنگ (RCC) به‌عنوان یک مرکز تحقیقاتی بین‌رشته‌ای در آن فعال است. انجمن بین‌المللی علوم شناختی دین (IACSR) نیز مهم‌ترین انجمن بین‌المللی است که دغدغهٔ این‌گونه مطالعات را دارد و در سال ۲۰۰۶ در دانشگاه آرهوس دانمارک تأسیس شد. این رویکرد در کشورهای دانمارک، ایالات متحده، ایرلند و بریتانیا بیشتر مورد توجه واقع شده است. توجه روزافزون جوامع علمی دنیا به بررسی علمی باور دینی در کنار سرعت گرفتن مطالعات بین‌رشته‌ای ضرورت توجه به علوم شناختی دین در دانشگاه‌های ایران احساس می شود.

واژگان کلیدی: علوم شناختی دین، باور دینی، علم و دین.

---

۱ - دانشجوی دکتری فلسفهٔ دین دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، fasihiramandi@gmail.com.

پادکست و ترویج فلسفهٔ دین: مطالعهٔ موردی پادکست فلسفی لوگوس

حامد قدیری[۱]

پادکست مدیومی نسبتاً نوظهور در جهان و ایران است. این مدیوم، بسان هر مدیوم دیگری، اقتضائات خاص خود را دارد که ناگزیر این سوال را برمی‌انگیزد که آیا می‌تواند بستری مناسب برای ترویج فلسفه به‌طور عام و فلسفهٔ دین به‌طور خاص باشد؟ و اگر می‌تواند، حدودوثغور آن چگونه است؟ در این مقاله، با تجربه‌نگاری و مطالعهٔ موردیِ پادکست فلسفی لوگوس، تلاش می‌کنم دو گام را طی کنم: اولاً مدلی برای ترویج فلسفه به‌طور عام و فلسفهٔ دین به‌طور خاص ارائه خواهم کرد. این مدل که در پادکست فلسفی لوگوس جریان دارد و آن را مدل «پادگان آموزشی» می‌نامم، نسبت آموزش و پژوهش را بر اساس استعارهٔ «پادگان آموزشی» و «خط مقدم» بیان می‌کند و نشان می‌دهد که نقش مروّج فلسفه در این مدل، تسهیل انتقال از بی‌مسئله‌گی به مسئله‌مندی است. ثانیاً بر اساس مطالعه‌ای پسینی، کیفیت طرح مباحث فلسفهٔ دین در پادکست و بازخوردهای دریافت‌شده را تشریح خواهم کرد. در این گام، داده‌ها را از حیث ارتباط اپیزودِ تحلیل‌شده به فلسفهٔ دین، در چهار سطح طبقه‌بندی می‌کنم: (۱) داده‌های کلِ اپیزودهای لوگوس؛ (۲) داده‌های اپیزودهایی با موضوع فلسفهٔ دین؛ (۳) داده‌های اپیزودهایی با موضوع فلسفه که دست‌کم یکی از نظرات مطرح‌شده در آن از حوزهٔ دین برآمده است؛ (۴) دادهٔ یک اپیزود خاص که موضوع عام فلسفی داشته اما به سبب اشاره‌ای به بحث «خدا» بازخوردهای متعددی در باب نسبت فلسفه و باورهای دینی دریافت کرده است. تحلیل این داده‌ها، در یک شِمای کلی، تفاوت‌های جدی میان ترویج فلسفه و ترویج فلسفهٔ دین را نشان خواهد داد.

واژگان کلیدی: پادکست فلسفی لوگوس، ترویج علم، ترویج فلسفه، مدل پادگان آموزشی.

۱ - پادکست و ترویج فلسفه‌ی دین: مطالعه‌ی موردی پادکست فلسفی لوگوس، hamed.ghadiri@modares.ac.ir.

ارتباط تصور، تلقی و انگاره از خدا

احد فرامرز قراملکی[۱]

تصور[۲]، تلقی[۳] و انگاره[۴] حاصل مواجههٔ ذهنی انسان با خدا است. تصور از خدا مفهوم‌سازی بیش و کم معین از خدا است که از مجموع اوصاف خدا فراچنگ ذهن آدمی می‌افتد. تلقی از خدا برداشت کلی و عام از خدا از جهت تشخص/عدم تشخص، شخص‌وارگی/عدم‌شخص‌وارگی و مانند آن‌ها است. انگاره از خدا تصویر ذهنی جایگزین‌شدهٔ خدا است. حصول انگاره برآمده از فرایند شامل چهار مرحله اسناد، برجسته‌سازی، درگیری هیجانی و عاطفی و در نهایت جایگزینی است. با توجه به نظریات روان‌شناسان که با مطالعات باستان‌شناسی تأیید و با تحلیل‌های فلسفی تکمیل می‌شود، به نظر می‌رسد که مواجههٔ نخست انسان با خداوند، مواجههٔ انگاره‌ای است. از سوی دیگر، سه امر ذهنی ذکر شده به صورت هشیارانه و ناهشیارانه بر یکدیگر اثر می‌گذارند. تصور و تلقی دو امر شناختی و حاصل موضع‌گیری هشیارانه است و مورد سنجش منطقی قرار می‌گیرند و لذا تعامل آن دو در ذهن انسان نیز هشیارانه است اما انگاره امری است ناهشیار و ارتباط آن با دو حیطهٔ دیگر نیز ناهشیارانه انجام می‌شود. توجه به انگاره از این نظر، می‌تواند در تبیین اموری همچون جزم‌اندیشی در اندیشهٔ دینی به‌کار آید. در پرتو انگاره‌های دینی می‌توان وجه معلل بودن این امور را بیان کرد و آن‌ها را از باورهای مدلل باز شناخت. همچنین توجه به این سه نوع مواجهه، ابزاری برای تقسیم‌بندی اقسام خداباوری (همچون خداباوری مدلل و خداباوری معلل)، و جایگاه دلیل یا تفسیر در هر یک از آن‌ها خواهد بود. انگاره از خدا همچون نخ تسبیحی است که انگارهٔ‌های همخوان در بارهٔ نبوت، معجزه، مناسک و سایر امور دینی را کنار هم می‌نهد.

واژگان کلیدی: تصور از خدا، تلقی از خدا، انگاره از خدا، خداباوری مدلل، خداباوری معلل.

---

۱ – استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، ghmaleki@ut.ac.ir.

2 – concept of God

3 – conception of God

4 – image of god

موانع گسترش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌های ایران

اکبر قربانی[۱]

فلسفهٔ دین، به عنوان یکی از رشته‌های مهمّ دین‌پژوهی، در دانشگاه‌های ایران رشته‌ای جدید به شمار می‌آید و هنوز، چنان‌که باید و شاید، گسترش نیافته است. نوشتار حاضر، با رویکردی انتقادی، به برخی موانع گسترش آموزش و پژوهشِ فلسفهٔ دین در دانشگاه‌های ایران پرداخته است. مانع اوّل، رویکرد ایدئولوژیک به دین و دانشگاه است که با رویکرد و روش عقلی فلسفهٔ دین، ناسازگار است و آموزش و پژوهش آزاداندیشانه در فلسفهٔ دین را دچار رکود می‌کند. مانع دوم، غلبهٔ پیش‌فرض‌های الهیاتی(کلامی) است که بر آموزش و پژوهش در فلسفهٔ دین سایه افکنده است و موجب سوگیری فلسفهٔ دین به خداباوری و اثبات و دفاع از اعتقادات دینی می‌شود. مانع سوم، عدم تسلّط برخی مدرّسان و بیش‌تر دانشجویان فلسفهٔ دین به زبان بین‌المللی آموزش و پژوهش است؛ به‌طوری که اولاً فهم متون اصلی (انگلیسی) را دچار مشکل می‌کند و ثانیاً ارتباط بین‌المللی دانشگاهیان را کاهش می‌دهد. مانع چهارم، تخصصی نبودنِ موضوعات و مسائل فلسفهٔ دین نزد مدرّسان و دانشجویان است. به این معنا که یک مدرّس یا دانشجو گمان می‌کند که باید در همهٔ موضوعات و مسائل رشتهٔ خود، اظهار نظر کند. این نگاه و رویکرد غیرتخصصی، موجب سطحی شدنِ آموزش و پژوهش در فلسفهٔ دین شده است. مانع پنجم، بی‌فایده دانستنِ بحث‌های فلسفی در باب دین است. این دیدگاه، که خاستگاه‌های گوناگونی دارد، مانع توجه و نگاه همدلانه به فلسفهٔ دین شده است. مقاله با ارائهٔ شواهدی برای هر کدام از موانع، که البته برخی از آنها فراگیر است و خاصّ رشتهٔ فلسفهٔ دین نیست، کوشیده است زمینه را برای گفت‌وگوی بیش‌تر در باب این موانع و ارائهٔ راهکار مناسب برای رفع آنها فراهم سازد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، کلام، رویکرد ایدئولوژیک، زبان بین‌المللی، دانشگاه.

---

۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (واحد اردستان)، qorbani61@gmail.com.

موانع پیش‌روی فلسفهٔ دین در ایران

قدرت‌الله قربانی[۱]

آموزش و پژوهش فلسفهٔ دین در ایران به‌عنوان شاخه‌ای اساسی از مطالعات فلسفی دین در سه دههٔ گذشته تاکنون با موانع متعددی مواجه بوده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: (۱) بستر نسبتاً الحادی و غربی فلسفهٔ دین که موجب بدبینی نسبت به آن در جامعهٔ دینی ایران شده است؛ (۲) عدم تقید فلسفهٔ دین به پیش‌فرض‌های کلامی سنت اسلامی که بعضاً موجب رویکرد انتقادی به آموزه‌های سنت دینی اسلامی شده است که موجب ترس علمای دینی از گسترش بی‌دینی در نتیجهٔ رشد فلسفهٔ دین به علت نقش مباحث عقلانی آن در اتخاذ رویکرد انتقادی به دین یا فرادینی به اعتقادات دینی گردیده است؛ (۳) سطح پایین معرفت دینی مردم و غلبهٔ وجه تقلیدی اعتقادات دینی که موجب آسیب‌پذیری بیشتر آنها در نتیجهٔ گسترش رویکرد فلسفی به دین می‌گردد؛ (۴) پیش‌فرض‌های کلامی علمای دینی که مانع اقبال به رویکرد فلسفی به دین شده است؛ (۵) غلبهٔ نگرش انحصارگرایانه نسبت به سنت دینی خودی که موجب نادیده گرفتن مزایای دیگر سنت‌های دینی می‌گردد که در نتیجهٔ رویکرد فلسفی به دین ممکن است حاصل شود؛ (۶) غلبهٔ تاریخی رویکرد فقهی در سنت دینی و دین‌داری اسلامی که موجب دوری از نگرش فلسفی و عقلانی و تقویت رویکرد تقلیدی به دین شده است. نتیجهٔ حاصل از این موانع رشد کند فلسفهٔ دین و مواجههٔ اندیشمندان طرفدار آن با مشکلات فراوان در مقام آموزش و پژوهش آن است. به همهٔ این موانع بایستی خطرات ناشی از بدفهمی موضوعات و مسائل فلسفهٔ دین را نیز افزود که موجب انحرافات دینی و ضربه زدن به دین‌داری مردم می‌گردد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، آموزش، پژوهش، ارزیابی انتقادی، پیش‌فرض‌های کلامی.

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی، qorbani48@gmail.com.

فلسفهٔ دین و جایگاه تربیت و آموزش در تفکر استاد مطهری

ساره لاریجانی[۱]

استاد شهید مطهری از فلاسفهٔ اسلامی معاصر است که بحث‌های عمیق دینی در حوزهٔ فلسفهٔ دین و کلام را در سطوح مختلف و از منظر های متعدد طرح نموده است. یکی از کانون‌های اصلی تفکر ایشان، موضوع فطرت در اندیشهٔ کلامی، اخلاقی، تربیتی و سیاسی اسلام است. ضمن اینکه اهمیت این مقوله از تعدد آثار وی نیز در این زمینه ظاهر می‌گردد، خود آن را پایهٔ جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی معرفی کرده است. یکی از زمینه‌هایی که موضوع فطرت در اندیشهٔ استاد را جذاب می‌نماید و برخی تحقیقات معاصر نیز مؤید آن است، نقش فطرت در تربیت و آموزش است. تذکار سقراطی در تفکر فلسفی استاد مطهری شکل معقول‌یافته و نظام تربیتی خاصی را معرفی می‌نماید. از نظر استاد مطهری تربیت به معنای رشد فطریات انسان است و دین نیز مأموریت پرورش فطرت انسان را بر عهده دارد. لذا به تعبیری فلسفهٔ دین این فیلسوف «فطرت پایه» است. بدین معنا که راه تقرب دین و رسوخ آن در تربیت از مجرای توجه به فطریات ممکن است. لذا می‌توان گفت که چارچوب فلسفهٔ ایشان در حوزه‌های دیگر نظیر حکمرانی مطلوب، عدالت، حقوق زنان و غیره کاملاً متأثر از این امر بوده است و برخی برداشت‌های بدیع فقهی و فلسفی ایشان در قلمرو زنان بر این پایه است. در این مقاله با توجه به آثار متعددی ایشان در زمینهٔ تربیت و فطرت تلاش گردیده نحوهٔ آموزش و پرورش در حوزهٔ دین را بر این مبنا تبیین و مورد ارزیابی قرار دهیم. در واقع نوآوری این مقاله از این حیث است که بیان می‌کند، چگونه شهید مطهری مسئلهٔ فطرت را که در بین فیلسوفان اسلامی یک مسئلهٔ جدید است، به عرصه‌های مختلف دینی از جمله حوزهٔ آموزش و تربیت مربوط کرده است.

واژگان کلیدی: دین، فطرت، تربیت و آموزش، مطهری.

۱ - دکتری گروه الهیات و فلسفه، دانشگاه بیرمنگام، sarehala@gmail.com.

غیبت «فلسفهٔ دین» فیلسوفان کلاسیک اسلامی در فلسفهٔ اسلامی معاصر

امیر مازیار[۱]

از جمله موضوعاتی که از زمان فارابی تا ملاصدرا (دورهٔ کلاسیک فلسفهٔ اسلامی) بخشی ثابت از متون فلسفی را در فلسفهٔ اسلامی شکل می‌داده مباحث مرتبط با فلسفهٔ دین در معنای خاص آن بوده است؛ یعنی موضوعاتی که از سنخ مباحث مابعدالطبیعی محض نیستند، بلکه دقیقاً معطوف به پدیدهٔ دین (کتاب مقدس، نبوت و معجزات و عبادات دینی)اند .این فیلسوفان در آثار خود به تبیین فلسفی وحی و تجربه‌های دینی و عرفانی (مکاشفات) می‌پرداختند؛از ماهیت زبان دین و شیوهٔ تأویل این متن سخن می‌گفتند؛ تبیینی فلسفی از امکان وقوع معجزات و استجابت دعا به‌دست می‌دادند و فلسفهٔ عبادات دینی را تشریح می‌کردند. اما به‌نظر می‌رسد در متون اصلی آموزشی در فلسفهٔ اسلامی معاصر این بحث‌ها مغفول واقع‌شده یا کنارگذاشته شده‌اند. در متونی هم که در سه دههٔ اخیر در موضوع فلسفهٔ دین در فلسفهٔ اسلامی نگاشته یا ترجمه شده محور بحث‌ها آثار فیلسوفان دین جدید غربی بوده و توجه کمی به آرای فیلسوفان کلاسیک اسلامی در موضوعات دقیقاً دینی شده است. در این جستار موضوع‌های مرتبط با فلسفهٔ دین در کتاب‌های اشارات و تنبیهات ابن‌سینا و شواهدالربوبیه ملاصدرا، که به‌نوعی خلاصهٔ فلسفهٔ این دو فیلسوف‌اند و کتاب‌هایی آموزشی در فلسفهٔ کلاسیک (در دورهٔ متقدم و متأخر آن) تلقی می‌شده‌اند، با سه کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم و نهایه‌الحکمه از محمد حسین طباطبایی و آموزش فلسفه مصباح‌یزدی،که مهم‌ترین متن‌های آموزشی در فلسفهٔ اسلامی معاصر محسوب می‌شوند، مقایسه شده‌اند. نتیجهٔ این مقایسه آن است که نه تنها دیدگاه‌های فیلسوفان کلاسیک اسلامی در حوزهٔ فلسفهٔ دین در این کتاب‌ها انعکاس جدی ندارند بلکه اصولاً آن دسته از مباحث مرتبط با فلسفهٔ دین که از سنخ مباحث مابعدالطبیعی محض (مانند بحث اثبات وجود خداوند و صفات او یا بحث معاد) نیستند و به خود دین می‌پردازند به کلی از این کتاب‌ها غایب‌اند. این حذف و غیبت را باید نشانی از تحولی گفتمانی در فلسفهٔ اسلامی معاصر دانست. تحولی که بر آمده از تغییر شکل نسبت برقرار شده بین عقل و دین در اندیشهٔ دینی و فلسفی ایران در قرون اخیر است. در آثار معاصر تمایلی جدی برای همراهی با ظواهر متون دینی و کنارگذاشتن مباحثی وجود دارد که تفسیری باطنی از پدیدارهای دینی عرضه می‌دارند؛ تفاسیری که با عقاید راستکیشی دینی مطابقت ندارد.

واژگان کلیدی: فلسفه اسلامی کلاسیک، فلسفهاسلامی معاصر ،فلسفه دین اسلامی.

۱ - استادیار گروه فلسفه هنر دانشگاه هنر تهران، maziar1356@gmail.com.

پدیدارشناسی «تجربهٔ زیسته»: حلقهٔ مفقوده در مطالعات فلسفهٔ دین ایران

ندا محجل[۱]

هدف ما در این مقاله این است که نشان دهیم که در مطالعات و پژوهش‌های انجام یافته یا در حال انجام در حوزه فلسفهٔ دین در ایران، مسئلهٔ روش پدیدارشناسی و اطلاق آن به «تجربهٔ زیستهٔ دینی» نادیده گرفته می‌شود، حال آنکه امروز به یمن روش‌های پدیدارشناختی پدیدارشناسانی مثل مرلوپونتی تحقیقات زیادی در فهم ماهیت این نوع تجربه به‌کار بسته می‌شود که در کشورمان از آن غفلت زیادی شده است. پدیدارشناسی تجربهٔ زیستهٔ دینی می‌تواند ماهیت رفتار و کنش و تجربهٔ فرد دین‌دار و معنای معنویت دینی رفتار را برای پژوهش‌گر این حیطه آشکار سازد. توصیف مواجهه روحی فرد با امر معنوی، توصیف احساسات و عواطف مذهبی افراد در مراسم‌ها و آیین‌های دینی، بررسی نقش عواطف دینی در خودآگاهی فردی و غیره با استفاده از روش‌های پدیدارشناختی می‌تواند ما را به فهم تجربهٔ دینی خودمان یاری رساند. البته این مقاله ادعا نمی‌کند که این کار کافی است. همچنین در این نوشته نشان داده‌ایم که ماهیت تجربهٔ زیستهٔ دینی یك ایرانی با تجربهٔ زیستهٔ یك غیرایرانی تفاوت دارد، ولی آنچه مهم است این است که در تجربهٔ دینی ایرانی، معنویت دینی او تمامی ابعاد زندگی او را دربر می‌گیرد. بنابراین، با توجه به عدم مطالعات جدی در این حوزه، پژوهش، ترجمه و تألیف در حیطهٔ پدیدارشناسی تجربهٔ زیسته دینی در مطالعات فلسفهٔ دین ایرانی خلاء بزرگی است که لازم است با گام برداشتن به سمت این حیطه آن را تا حدودی برطرف سازیم. این مقاله می‌کوشد نشان دهد که می‌توانیم با برگزاری سیمنارهای مشترك بین مراکز دین پژوهشی ایرانی و غربی و ترجمهٔ مقالات و کتاب‌ها و پژوهش‌های انجام‌یافته در این حیطه و نیز کاربردی کردن روش‌های پدیدارشناختی در مراکز مطالعات فلسفهٔ دین در ایران به سمت پژوهش‌های اصیل در پدیدارشناسی تجربهٔ زیسته حرکت کنیم.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، تجربهٔ زیسته، تجربهٔ دینی، فلسفهٔ دین.

۱ - دانشجوی دکتری فلسفهٔ معاصر دانشگاه تبریز، nmohajel@gmail.com.

عدم توجه به ابعاد فرهنگی و انضمامی دین در همایش‌های فلسفهٔ دین

اردشیر محمودی[۱] و زهرا اخلاقی[۲]

فلسفهٔ دین، از موضعی معرفت‌شناسانه، دین و مسائل آن را بررسی می‌نماید، در حالی که دین به‌مثابهٔ امری فطری، روانی، اجتماعی و فرهنگی در حیات بشری حضور داشته و دارد. موضع انتزاعی فلسفهٔ دین، از کاوش اثرات انضمامی و ملموس دین در زندگی، تا حدودی محروم است. از آنجا که دین‌داری عموم، از سنخ دین‌داری تجربی-تعبدی است، لذا باید فلسفهٔ دین از موضع تعقلی-انتزاعی خود، به موضع تجربی-انضمامی و عرفانی-روانی گرایش نماید؛ تا از این رهگذر بتواند با بدنهٔ اجتماع ارتباط نموده و به ماهیت دین بما هو دین دسترسی بیشتری نماید. بنده که چندین دوره به‌عنوان مهمان و شرکت‌کننده در همایش انجمن فلسفهٔ دین شرکت نموده‌ام، همایش‌های انجام شده را از این مهم کم بهره دیده‌ام. برای جبران این نقیصه لازم است، که در بخش‌های اصلی و یا جانبی همایش، از بررسی‌های مردم‌شناسانه، روان‌شناسانه، تجربه‌گرایانهٔ دین و دیگر رویکردهایی که ابعاد مختلف دین را هویدا می‌سازد، استفاده شود. این مقاله به آسیب‌شناسی موضع انتزاعی-تعقلی فلسفهٔ دین و همایش‌های آن از منظر موضع انضمامی-تجربی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: همایش فلسفهٔ دین، موضع تعقلی-انتزاعی، موضع تجربی-انضمامی.

۱ - دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، ardeshir_Mahmoodi@yahoo.com.

۲ - استادیار دانشگاه پیام نور.

برنامهٔ پژوهشیِ جامعه‌شناسیِ فلسفیِ دین: به سمت هم‌گرایی فلسفهٔ دین و جامعه‌شناسی دین

سیدمحمود نجاتی‌حسینی[۱]

مطالعات پیشرفتهٔ دین نشان داده است که فهم و شناخت وجوه متعدد دین به یک برنامهٔ پژوهشی بینادانشی نیازمنداست. از این منظر، محتوای «عقلانی-شناختی دین» (باورهای دینی پایه) مستلزم کاوشی فلسفی است ازجنس الاهیات فلسفی و «فلسفهٔ دین». نیز فرم «فرهنگی-آیینی دین» (رفتارها، مناسک و شعائردینی) هم مستلزم جستاری است از جنس انسان‌شناسی و «جامعه‌شناسی دین». به این معنا می‌توان انتظارداشت که شناخت و فهم گشتالت دین در هر سه وجه آن فراهم می‌شود: (الف) دین به‌مثابهٔ یک برنامهٔ معنوی اخلاقی جهان‌شمول؛ (ب) امردینی: دین هم‌چون یک الگوی شناختی-عقیدتی فرهنگی خاص‌گرای جهت‌دهنده به ذهن و روح؛ و (پ) دین‌گرایی: دین در فرمت اجتماعی رفتارها و مناسک و شعائر معنوی اخلاقی شک دهنده به زندگی روزمرهٔ دین‌ورزان. لذا با توجه این واقعیت که وجوه گفته‌شدهٔ دین، «امر دینی» را به‌عنوان یک «پدیدهٔ اجتماعی تام» شکل می‌دهند، به تبع آن لازم می‌آید که شناخت و فهم دین نیز به‌صورت یک شناخت تام صورت گیرد تا بهتر، دقیق‌تر و جامع‌تر بتوان به فهم پدیدارشناختی امردینی در کلیت واقعی و حقیقی آن نائل آمد. از این حیث مسئلهٔ این مقاله این است که چرا و چگونه می‌توان در ذیل مطالعات دینی پیشرفتهٔ مدرن کنونی یک برنامهٔ پژوهشی (مؤلف از منظرهای چنددانشی) برای شناخت و فهم کلیت امر دینی تام فراهم آورد. ایدهٔ مقالهٔ حاضر در بارهٔ این است که جامعه‌شناسیِ فلسفیِ دین، که پیوندی تلفیقی و هم‌گرا از پروبلماتیک‌های فلسفهٔ دین، الهیات فلسفی، انسان‌شناسی دین و نهایتاً جامعه‌شناسی دین است، می‌تواند یک برنامهٔ پژوهشی جامع برای فهم وشناخت پدیدارشناختی امردینی تام (به معنای موصوف) فراهم آورد. با این وصف به یک پرسش هدایت‌کننده برای مطالعهٔ این ایده و مسئله نیاز هست: چه بخش از «برنامهٔ پژوهشی الهیات فلسفی و فلسفهٔ دین» به‌صورت هم‌ارز آن با «برنامهٔ پژوهشی انسان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین» از قابلیت هم‌گرایی در قالب «برنامهٔ پژوهشی جامعه‌شناسی فلسفی دین» برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش با استفاده از روش مطالعات متنی (تحلیل متون تخصصی مرتبط) صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: فلسفهٔ دین، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسیِ فلسفیِ دین.

---

۱ - استادیار جامعه‌شناسی و مدیر گروه دین انجمن انسان‌شناسی ایران، nejati.hosseini@gmail.com.

مسئلهٔ پایان آموزش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌ها؛ لوفتوس و داوکینز در برابر آپی

هادی وکیلی[۱]

فلسفهٔ دین را مطالعهٔ فلسفی دین، مضامین و مفاهیم مندرج در سنت‌های دینی و وجوه و متعلقات تاریخی و پدیدارشناسانهٔ گوناگون آن دانسته‌اند. قوام فلسفی‌بودن یک مطالعه در بی‌طرفانه-غیرجانبدارانه‌بودن، حقیقت‌پژوهانه‌بودن و نقادانه‌بودن آن است؛ وگرنه بین فلسفهٔ دین و اموری مانند الهیات و کلام و غیره تفاوتی نمی‌ماند. گراهام آپی[۲] در کتاب *Reinventing Philosophy of Religion: A Opinionated Introduction* به دفاع از آموزش فلسفهٔ دین در دانشگاه‌ها پرداخته و جان و. لوفتوس[۳] در مقاله‌های گوناگونش از جمله « Calling for an End of the Philosophy of Religion as a Discipline in Secular Universities» و نیز ریچارد داوکینز[٤] در مقاله‌ای با عنوان « Let's stop teaching philosophy of religion in secular colleges» به دفاع آپی پاسخ داده و خواستار پایان آموزش آن در دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌های سکولار شده‌اند. کسانی مانند دراپر و نیکولس[۵] نیز در مقالهٔ مشترکشان با عنوان «Diagnosing Bias in Philosophy of Religion» با ارائهٔ پاسخی معتدلانه به مخالفان از جمله لوفتوس کوشیده‌اند تا از این آموزش همچنان دفاع کنند. دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این آموزش، نشان‌دهندهٔ بروز اختلافی اساسی در اصل آموزش فلسفهٔ دین یا در روش، مواد و سرفصل‌های آن در دانشگاه‌ها به‌خصوص مراکز دانشگاهی سکولار است. من در این مقاله نخست به روایت دیدگاه لوفتوس و داوکینز در مخالفت و تقریر پاسخ آپی در موافقت با آموزش فلسفهٔ دین پی‌پردازم و سپس می‌کوشم با تثبیت موضع دراپر و نیکولس، راهی برای رهایی فلسفهٔ دین از این بحران پیشنهاد کنم. راه‌حل اینجانب بر دو مؤلّفه مبتنی است: نخست این که مرزهای بین فلسفهٔ دین و غیر آن از کلام و الهیات، فازی است و از این رو نظام مسائل و استدلال‌های فلسفهٔ دین و غیر آن، هم‌مرزی و تشکیک دارند و تفکیک دقیق بین آنها ناممکن و نامطلوب است و دوم این که به همین جهت، فیلسوفان دین باید بکوشند تا براساس اصول سه‌گانهٔ بی‌طرفی، حقیقت‌پژوهشی و نقادی، به فلسفه‌ورزی بپردازند به‌گونه‌ای که درجهٔ تعلق تأملات آنها در مسائل و استدلال‌هایشان به مجموعهٔ فلسفهٔ دین بیش از درجهٔ تعلق آنها به مجموعه‌های کلام یا الهیات باشد.

واژگان کلیدی: آموزش فلسفهٔ دین، پایان آموزش فلسفهٔ دین، آپی، لوفتوس، فازی‌نمایی فلسفهٔ دین.

---

۱ - دانشیار پژوهشکدهٔ مطالعات فلسفی و تاریخ علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، .drhvakili@gmail.com

2 – Graham Oppy

3 – John W. Loftus

4 – Richard Dawkins

5 – Paul Draper & Ryan Nichols

جایگاه دانشکدهٔ الهیات و نسبت آن با دانشکدهٔ فلسفه از دیدگاه کانت

حسین هوشنگی[۱]

کانت از اولین فیلسوفانی است که با نظری فلسفی به ایدهٔ معقول دانشگاه اندیشیده و در این چارچوب نقش و جایگاه الهیات و نسبت آن را با فلسفه را بررسی کرده‌است. دانشگاه از منظر کانت در طراحی ایدهٔ منسجم عقلی از آیندهٔ انسانیت و تصور صحیح از خیر اعلا و سعادت عقلی و اخلاقی و نحوهٔ وصول به آن غایت، نهادی علمی است که یاریگر بشر و جوامع بشری است. دانشکدهٔ الهیات هم در این خصوص واجد نقش مهمی است. این دانشکده در نظام دانشگاهی به‌لحاظ تأثیر اجتماعی و سیاسی بر سایر دانشکده‌ها «برتری» دارد؛ چون در اطاعت‌پذیری شهروندان از قوانین مدنی و سیاسی اثربخشی تام دارد. نگاه کانت به دانشکدهٔ الهیات پراگماتیستی است، به‌طوری که آن را در مسیر تأمین حیات و سعادت ابدی و ارضاء نیاز تکوینی به نجات ابدی می‌داند. الهیات مقید است به ظواهر نصوص دینی، و بر این اساس مرجعیت در حوزهٔ الهیات با عقل نیست. اثبات خدا و بحث از اوصاف الهی بر اساس تعالیم درون دینی صورت می‌گیرد. دانشکدهٔ الهیات همچنین متکفل تبیین و ایضاح تعالیم فراعقلی دین است. دانشکدهٔ فلسفه نماد عقل عملی و نقد عقلی است و وظیفهٔ آن کسب حقیقت و نقد دعاوی الهیات (و سایر دانشکده) بر اساس اصول پیشینی و عقلی است. طرح منسجم عقلی از آیندهٔ بشر معطوف به ایده‌آل عقلی و اخلاقی را دانشکدهٔ فلسفه بر عهده دارد. البته دانشکدهٔ الهیات در کنار حقوق و پزشکی، محافظه‌کار و در پی حفظ وضع موجودند، ولی فلسفه ناظر به وضع ایده‌آل و حرکت به آن سمت است. نقد خرافه‌گرایی، عرفان‌گرایی و برخی وجوه دین تاریخی و نهادینه (در فضای آکادمیک نه عمومی) از وظایف این دانشکده است. کانت میان دو نوع استفادهٔ محدود (مقید و در چارچوب) و استفادهٔ مطلق از عقل تمایز می‌گذارد. الهیات و کلام فلسفی با استفادهٔ خاص و مقید از عقل، تعالیم اخلاقی-عقلانی و آموزه‌های تاریخی و فراعقلی و فرااخلاقی دین تاریخی را بررسی می‌کند. اما فیلسوف با استفاده مطلق از عقل، تنها هستهٔ مرکزی و اخلاقی دین را مدنظر قرار می‌دهد و تلاش می‌کند بخش‌های تاریخی و فراعقلی دین را با تفسیر فلسفی و اخلاقی، هر چه بیشتر با عقل سازگار کند. مباحث کانت در کتاب نزاع دانشکده‌ها همراه با تدقیقات او در دین در محدودهٔ عقل تنها، صلح پایدار و انسانشناسی پراگماتیستی در این موضوع می‌تواند محل توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دانشکدهٔ الهیات، دین تاریخی، دین عقلی و اخلاقی، عقل عملی و اخلاقی.

---

۱ - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)، hooshangi@isu.ac.ir.